

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۱ \* ( ۵ ربیع الاول ۱۳۵۱ )

## فهرست مذاکرات

- |   |   |
|---|---|
| (۱) تصویب صورت مجلس                                   | (۶) معرفی رئیس کل فلاحات                              |
| (۲) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف | (۷) تقدیم يك فقره لایحه از طرف رئیس کل صناعت و فلاحات |
| (۳) معرفی معاون وزارت داخله                           | (۸) بقیه شور و تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت   |
| (۴) تصویب چهار فقره مرخصی                             | (۹) موقع جلسه بعد - ختم جلسه                          |
| (۵) شور کلیات لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت          |   |

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز سه شنبه چهاردهم تیر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \* \* \*

[ ۱ - تصویب صورت مجلس ]  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد -  
 خیر) صورت مجلس تصویب شد. بنده يك توجیهی را  
 ضرور میدانم باستحضار آقایان برسانم چون وضعیت مسکن  
 امروزی ما خیلی طولانی است آقایانی که در عقب سر  
 هستند شکایت میکنند که صدای ناطق با آنها نمیرسد با دو  
 چیز میشود این کار را تصحیح کرد یکی اینکه آقایان  
 ناطقین بلندتر صحبت بفرمایند دیگر اینکه آقایان هم که  
 مؤخر هستند کمتر حرف بزنند (صحیح است)

[ ۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر  
 پست و تلگراف ]  
 وزیر پست و تلگراف (آقای بهرامی) - يك تعهد مختصری  
 است برای وزارت پست و تلگراف از بابت مخارجی که  
 پارسال کرده اند و امسال بایستی بردارند در جزء بودجه  
 هزار و سیصد و بازده قید شده است و بتصویب کمیسیون  
 محترم بودجه هم رسیده چون بایستی از طرف مجلس اجازه  
 برداختش داده شود لایحه بانفاق آقای وزیر مالیه تنظیم  
 شده تقدیم مجلس میکنم

\* \* \* عین مذاکرات مشروح نود و پنجمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده : غائبین با اجازه - آقایان : آشتیانی - روحی - یارعلی  
 دکتر ضیائی .

غائبین بی اجازه - آقایان : تبهورتاش - دکتر احتشام - مرضی قلیخان بیات - امیر دولتشاهی - حاج حسین آقا پهلوی - کفای  
 عبدالعزیز خان دیبا - مرزا - خواجوی - دبیر سهرابی - نوام

دبیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دشتی - دکتر امیراعلم - اسدی - مسعودنابقی - معتمدی .



[ ۳ - معرفی معاون وزارت داخله ]

رئیس - آقای وزیر داخله

وزیر داخله ( آقای منصور ) - آقای میرزا علی اصغر خان زرین کفش را بمعاونت وزارت داخله معرفی میکنم جمعی از نمایندگان - بسیار خوب مبارک است .

[ ۴ - تصویب چهار فقره مرخصی ]

رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود :

خبر مرخصی آقای حیدری

۱ - نماینده محترم آقای حیدری برای رسیدگی بامور محلی از تاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۱۱ تقاضای یکماه مرخصی نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - اشکالی نیست ( گفته شد - خیر ) آقایان موافقین قیام فرمایند

( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای مجد ضیائی

۲ - نماینده محترم آقای مجد ضیائی برای رسیدگی بامور حوزه انتخابیه تقاضای چهل روز مرخصی از تاریخ پنجم امرداد ۱۳۱۱ نموده اند کمیسیون با یکماه از مدت مورد تقاضا موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقایانیکه با مرخصی آقای مجد ضیائی موافقت دارند قیام فرمایند

( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای رهبری

۳ - نماینده محترم آقای رهبری برای رسیدگی امور محلی از تاریخ ۱۰ امرداد ۱۳۱۱ تقاضای یکماه مرخصی نموده اند - کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میداود

رئیس - اشکالی نیست . آقایان موافقین قیام فرمایند ( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای امیر تیمور

۴ - نماینده محترم آقای امیر تیمور از تاریخ حرکت - برای رسیدگی بامور محلی تقاضای دو ماه مرخصی نموده اند کمیسیون با یکماه از مدت مورد تقاضا موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد .

رئیس - آقای دیبا

طباطباتی دیبا - کمیسیون عرایض و مرخصی يك تصمیمی گرفته بودند و آقای رئیس کمیسیون هم در جلسه گذشته اینجا تذکر دادند که از روز حرکت با آقایان نمایندگان اجازه ندهند برای حفظ عده آقایانی که میخواهند مرخصی بگیرند ولی اینجا برای آقای کلالی آمده اند از روز حرکت اجازه داده اند بنده عقیده دارم که همان تصمیم سابقشان بهتر است که روز حرکت معین باشد و الا روز حرکت معلوم نباشد ممکن است عده آقایانیکه میخواهند اجازه بگیرند محفوظ نباشد و اسباب اشکال بشود .

کلالی - رأی ندهید آقای

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی ( رئیس کمیسیون عرایض و مرخصی ) - عرض کنم این تصمیم کمیسیون که در جلسه قبل هم عرض کردم همینطور بوده ولی آقای امیر تیمور بطور قطع معلوم نیست کی مسافرت کنند و بملاوه حد نصاب هم بقدری که لازم بوده در کمیسیون در نظر گرفته شده ایشان چون معلوم نیست که چه موقع مسافرت بکنند شاید هم هیچ استفاده از این مسافرت نکنند باین جهت بود که تاریخ حرکتشان را نمیتوانستند بطور قطع معین کنند و ایشان بطور استثناء برای اینکه شاید لازم برای ایشان پیش بیاید تقاضا کردند و کمیسیون موافقت کرد که از روز حرکت باشد و البته همان طوری که حضرتعالی فرمودید تصمیم کلی کمیسیون این بوده است ولی ایشان معلوم نیست که آیا مسافرت کنند یاخیر شاید هم اصلا هیچ استفاده نکرده و بهمان منظوری که که کمیسیون دارد که حد نصاب را در نظر بگیرد هیچ خللی وارد نمیشود

رئیس - آقایانی که با مرخصی آقای امیر تیمور موافقت دارند قیام فرمایند

( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد . آقای رئیس کل تجارت . [ ۵ - طرح و تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت ] رئیس کل تجارت ( آقای یاسائی ) - البته خاطر آقایان محترم مسبوق است که یکسال و چند ماه است از عمر قانون انحصار تجارت خارجی میگذرد و دولت در نتیجه اجرای مقررات مربوطه بآن يك تجربیاتی حاصل کرده است و اینطور مصلحت دید که اصلاحاتی در بعضی مواد آن بعمل بیاید باینکه تفاوتهایی که شاید از نقطه نظر تأمین معادله اسماری مفید باشد و وضعیت بهتری را ایجاد کند این است که لایحه که قبلاهم بعرض آقایان محترم رسیده است تقدیم میشود و تقاضا میشود که با قید فوریت این را آقایان تصویب کنند ( صحیح است )

رئیس - لایحه هم در فراکسیون کاملاً قرائت شده است و هم در مطبوعات آقایان ملاحظه فرموده اند معذک لازم است بخوانیم؟ ( نمایندگان - خیر ) مذاکره در فوریت است . آقای دیبا

دیبا - موافقم

رئیس - آقای رهنما هم موافقتند؟

رهنما - بلی

رئیس - آقایانیکه با فوریت موافقت دارند ( دیبا - فوریت اول ) قیام فرمایند ( اکثر نمایندگان برخاستند )

رئیس - تصویب شد - فوریت ثانی مطرح است در آن هم اشکالی نیست . آقای افسر فرمایشی دارید؟ افسر - بنده موافقم خیال کردم مخالفی هست اجازه خواستم که جواب بدهم

رئیس - آقایانی که با فوریت ثانی موافقت دارند قیام فرمایند

( غالب نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . مذاکره در کلیات است . از پیش

گفته شد آقایانی که اجازه میخواهند برخیزند چون دیده نمیشود . آقای دیبا

طباطباتی دیبا - قانون انحصار تجارت از قوانین خوب و برجسته بود که از تصویب مجلس گذشت و دولت هم انصافاً با تمام جدیت این قانون را اجرا کرد ولی در موقع عمل بدیهی است چنانچه آقای رئیس کل تجارت هم مختصر فرمودند دولت در موقع عمل يك اشکالاتی در قانون سابق دید که فعلاً این قانونی که امروز تقدیم مجلس شد میتواند گفت که حقیقه نتیجه مطالعات عمیقه است که دولت در این مدتی که قانون سابق در موقع عمل و اجرا بود نموده و در نتیجه آن مطالعات دولت يك قانون جدیدی آورد و حقیقه آنچه هم بنده مطالعه کردم قانون خوبی است و امیدوارم که بعد از تصویب این قانون و اجرای آن آنچه مقصود و مرام دولت است بعمل بیاید و حقیقه مسائل اقتصادی کاملاً رو باصلاح برود ولی بنده سه فقره سؤال داشتم از آقای رئیس کل تجارت یکی از سؤالاتم این بود که چند روز پیش در مطبوعات دیده شد که صادرات ما بر واردات ما زیاد است اینطور در مطبوعات بود که در سنه گذشته صادرات ما بر واردات ما زیاد بود بنده فکر میکردم اگر این طور است که صادرات ما بر واردات ما زیاد است مسئله اسعار خارجی نمی بایست این ترتیب را پیش بگیرد اگر حقیقه صادرات ما بر واردات ما زیاد بوده میباشد در مملکت اسعار خارجی هم زیاد شود جهت اینکه با وجود اینکه صادرات بر واردات زیاد شده در مملکت هنوز اسعار خارجی يك صورت صحیحی بخود نگرفته چیست . این را میخواستم يك توضیحی بدهند بعد هم راجع بتصدیق صدور که حقیقه يك تغییر اساسی است نسبت باین قانون لاحق و قانون سابق در قانون سابق تصدیق صدور مشروط بشرط اسعار خارجی نبود یعنی از موقعی که تصدیق صدور صادر میشد از آن تاریخ این تصدیق صدور معتبر بود این بود که در بازار يك قیمتی پیدا کرده بود . تصدیق صدور صدی بیست و پنج قیمت پیدا کرده بود هر روز هر کس وارد بازار میشد



بیانکها بفروشد مجبور است آنچه می برد فوراً بفروش برساند و لو بقیمت ارزان در قانون سابق اینطور نبود میبردند در خارج نگاه می داشتند يك تعمدي هم داشت بعد نگاه میداشت و بفروش میرفت ولی حالا که شخص مجبور است در مقابل آنچه که صادر کرده بیانکها اسعار خارجی بفروشد این حقیقه موجب خواهد شد که صادر کننده آنچه را صادر کرده ببرد در خارج بقیمت ارزان بفروشد این هم يك عیبی است بنظر بنده میآید خوب است يك توضیحی بدهند این دوسوال را بنده داشتم خواستم بعرض برسانم آقای رئیس کل تجارت يك توضیحی بدهند يك سوال دیگر هم داشتم که در این قانون تعهدات باز هست تعهدات اسعار خارجی با این ترتیبی که عرض کردم در صورتیکه جواز صدور موقعی معتبر است که اسعار خارجی را بیانکهای صادر کننده بفروشد دیگر تعهد اسعار خارجی لازم نیست در صورتیکه تعهد اسعار خارجی که در قانون سابق بود در قانون لاحق هم باز هست جهت اینکه باز این را گذاشته اند چیست.

**رئیس کل تجارت** - موضوع اولی که آقا فرمودند راجع باین بود که با وجود معادله صادرات و واردات یا اضافه صادرات بر واردات چطور است که تعدیلی در اسعار حاصل نشده این بیانی که آقا فرمودند اتفاقاً خیلی از آقایانهم متوجه بان هستند و در خارج هم مذاکره شد ولی باید دید که با وجود اینکه صادرات ما در سینه گذشته مزیت مختصری داشته است بر واردات در حدود دو میلیون و خورده چطور شده است که باز احتیاجات اسعاری سر جای خودش هست چه جهت دارد اولاً که در تقویم های گمرکی يك چیز هائی است که ما در این موقعی که لایحه تقدیم شده است و میبایست اصلاح شود و شاید بکسمت منظور نظر دولت در اصلاح قانون بطرز فعلی موهم وضعیتی است که حالا میخواهم عرض کنم مطالب را باید باز عرض کرد يك قسمت اشکال کار در این بوده است که در گمرکخانه ها تقویم مال التجاره های صدوری چندان مطابق حقیقت بعمل نیامده و حالا بعضی موارد هم

در گمرکخانه های کوچک يك خلاف ترتیبهائی را مرتکب میشدند یا تقلباتی میشد اصلاً بدون اینکه صدورى شده باشد تصدیق صدور داده میشد و برای اینکه تصدیق صدور در بازار حکم اسکناس را پیدا کرده و قابل خرید و فروش است و قیمت دارد و يك ورقه بهاداری است خیلی تقابلی و انحرافش از موازین و مقررات قانونی مشکل نبود برای متصدیان کار اینست که خیلی نمیشد مطمئن شویم بتقویمهائی که در گمرک میشود و البته وقتیکه گفته میشود شصت و دو میلیون و خورده ما صادرات داشتیم در سینه گذشته ما وقتیکه کنفرانز و سهمیه ۱۳۱۱ را نوشتیم و حساب صادرات سینه قبل را میکردیم همینطوری که در موقع تقویم بودجه مخارجش را مقایسه میکند با عوایدی که در سینه گذشته وصول شده است ما احتیاطاً در حدود پنجاه و نه میلیون سهمیه معین کردیم دولت این نظر را برای چه اتخاذ کرد برای اینکه سه چهارم میلیون آن شاید مربوط شود بتفاوت تقویم ها و چیزهای دیگر. موضوع دوم مسئله فروش رفتن يك قسمت از اجناس صدورى است درست است که جنس صادر کرده است از ملک و از سرحد خارج شده جواز هم داده شده است در مقابل صدورى که صورتاً بعمل آمده است و هنوز بصورت اسعار در نیامده است تصدیق صدورش را آورده اند جواز گرفته اند مال التجاره هم وارد کرده اند که اسعار میخواسته و اسعار آن هم از جاهائی داده شده ولی مسلم است اسعاری که بمصرف وارداتی رسیده است که جواز آن مبتنی بر تصدیق صدور بوده است مال التجاره مشروط بان تصدیق صدور بود معلوم نیست بفروش رفته پس هنوز قوه اسعاری ملک معادل نشده است بان اندازه که قوه در بافت و پرداختش یکی بشود یعنی همان اندازه که میخواهد برای واردات بدهد همان اندازه از صادرات تحصیل نشده است که بالمال این اسعار بدست بیاید هر وقت صادرات بفروش رسید این اسعار تحصیل میشود ولی تأخیر میشود وارد کنندگان همینطور منتظر فروش اجناس صدورى نمیشدند. در این قانون پیش بینی شده بر ترتیبی که هر دو عیب را اصلاح میکند

قیمت تصدیق صدور را میدید صد بیست میگفتند صد بیست و پنج میگفتند و اینطور معامله میشد دولت ملاحظه کردند و در نظر گرفتند که این ترتیب صحیح نیست یعنی حقیقه موجب شده که در بورس در بازار پیدا شده يك بورس رسمی که بیانکها میدادند و يك بورس سیاه هم که مردم و دلالتها در بازار میدادند این حقیقه خیلی وضع و ترتیب بدی بود و بکلی اسباب ناراحتی تجار و بازاریها بود صحیح که شخص وارد بازار میشد تکلیفش معلوم نبود که امروز بورس چند است يك بورس سیاه بود و يك بورس معمولی این بود که دولت در این قانون لاحق يك تغییر اساسی داده اند آنچه بنده مطالعه کرده ام این است که تصدیق صدور از تاریخ صدور معتبر نیست وقتی معتبر است که شخص صادر کننده اسعار خودش را هم بیانکها فروخته یعنی بفروشد بعد ضمیمه کند آنچه فروخته است بتصدیق صدور تا اینکه يك واردی داشته باشد و الا از روز تاریخ صدور تصدیق صدور معتبر نیست تصدیق صدور وقتی معتبر است که این شخصی که صادر کننده است اسعار خارجیش را بیانکها فروخته باشد این ترتیب بنظر بنده خیلی خوب است از يك جهت که دیگر بکلی بورس سیاه را موقوف میکند ولی يك عیبی بنظر بنده هست و آن این است که این برای اشخاصی که پول حاضر دارند خیلی خوب است بنده صادر کننده پول حاضر دارم يك مالی را منتظر فروشش نمیشوم آنوقت مقابل او اسعار خارجی خود را بیانکها میفروشم آنوقت مال وارد میکنم ولی يك اشخاصی که پول حاضر ندارند و معمول بوده است میرفته اند معامله میکردند در خارج با اقساط و پول حاضر ندارند برای آنها این ترتیب خیلی مشکل است این يك عیبی است که بنظر بنده میآید خوب است آقای رئیس کل تجارت يك توضیحی در این باب بدهند و بعد هم يك عیب دیگری بنظر بنده میآید و آن این است که این ترتیب وقتی معتبر باشد که اسعار خارجی را صادر کننده بیانکها فروخته باشد این موجب است که صادرات ما خیلی ارزان بفروش میرسد شخص صادر کننده وقتی که مجبور است بیانکها مقابل او اسعار خارجی خودش را



ممکن است يك قدری از واردات تاخیر شود برای اینکه باید منتظر شد که صادرات بفروش برسد و اسعار او انتقال بیانکها، بدوات پیدا کند بعد جواز بگیرد ولی در ضمن چون در نظر دارد دولت که نوبت و موعد جواز را از بین ببرد و ملغی کند تصور میکنم که يك قسمت از تجار موفق شوند بيك واردات زودتری در این صورت آن قسمت مضیقۀ واردات هم از طریق دیگر تدارک میشود پس دو علت عرض کردم یکی تقویم هائی که چندان بر خلاف حقیقت نبوده است درمی عدم فروش صادرات اینها باعث شده است که در ازای آن تا فروش رفتن صادرات با قیمتتهائی که در ورقه های تصدیق صدور هست که شاید اساسی نداشته باشد يك جواز هائی داده شده که اسعار میخواسته است و البته معادله نمیکند اعایب اساسی این نیست این تفاوت هست تفاوت مختصر است عیب اساسی در چند چیز است که باید برتریات دیگر جلوگیری شود یکی مسئله قاچاق است بالاخره اجناس ورودی قاچاق اسعار پیدا میکنند هر قدر ما تجارت مشروع را محدود کنیم که معادله اش محفوظ بماند اسعار حاصله از صادرات بخود واردات برسد و يك مراقبت های بیشتری بشود باز قاچاقچی هائی که جنس وارد میکنند محتاج باسعار هستند خود احتیاج آنها باسعار تقاضا را که زیاد کرد قیمت اسعار را بالا میرد حالا شاید از نقطه نظر اسعار منابع اسعار در ظرف سال يك تفاوتی فاحشی نباشد ولی از نقطه نظر فشار و تقاضا و عجله اسعار را بالا میرد اگر يك کسی که خواهان يك جنسی باشد اسعار هم يك نوع جنسی است فرضاً اگر عجله داشته باشد در خریدش فروشنده قهراً باز مسئله قیمت را بالا میرد و اگر چنانچه خیر با لافیدی بخواهد معامله کند قهراً ارزانتر میتواند تحصیل کند ولی چون قاچاقچی ها از نظر خودشان علاقه مندند اصرار دارند که هر چه زودتر يك اسعاری بدست بیاورند و هر چه زودتر اجناسشان را وارد بکنند این است که بهر قیمتی هست این کار را میکنند و مادامی که آن لایحه و

ضمانت آن قسمت اسعار را کرده باشد عجله دولت نظرش این است که اسعار حاصله از صادرات را تخصیص بدهد به واردات و واردات مشروع اسعارش از صادرات باشد این هم که فرمودید برای تجاری که پول ندارند عرض میشود شاید توسعه در زندگی تجارتیشان نیست برای آنها مشکل است اسعاری تحصیل کنند ما هم تصدیق میکنیم ولی بالاخره تاجر ده رقم است يك تاجری است که معاملاتش در سال يك ملیون است يك تاجری است که معاملاتش يك صد هزار تومان است يك تاجری است پنجاه هزار تومان است یکی ده هزار تومان است این يك ملیونی با این ده هزار تومانی تفاوت دارد انواع اقسام تفاوت دارند هیچ قانونی و هیچ حکومتی نمیتواند این تفاوت ها را بر هم بزند بالاخره تا يك میایون يك ملیون است آثار خودش را دارد آن هم همینطور است الان هم تاجری که يك ملیون واردات دارد تصدیق صدورش را میاورد میدهد با آنکه دو هزار تومانش را نمیتواند بیاورد بدهد يك تفاوت هائی دارند که نمیشود با يك قوانین و نظاماتی تأمین کرد که این تفاوت نباشد. يك موضوع دیگر فرمودند که صادر کنندگان مجبورند که تند تند مال التجاره شان را ارزانتر بفروشند عرض کنم صادر کنندگان دو جورند اگر با اصطلاح از هول حلیم توی دیک بخواهند بیفتند برای عشق واردات مجبور هستند که تند تند و زود تر جنسشان را بفروشند و بنده هم تصدیق میکنم ولی ما که همچو اقدامی نمیکنیم و دولت مجبور نمیکند و نمیکوبد جنس صادرات را زود بفروشی بده و چون زود باید بفروش برسانی چون سرعت باید بفروشی ارزان تر بده برعکس بموجب قانونی که هنوز معتبر است مدت تعهد اسعاری هشت ماه بود در این قانون یکسال شده پس مهلت هم که بیشتر شده عرض شود از طرف دولت مهلت بیشتری داده میشود بصادر کنندگان منتهمی يك اشخاصی عجله دارند که جنس وارد کنند و منفعت بیشتری ببرند در آن قسمت ضرر میکنند در هر صورت چاره

نیست چه میشود کرد قسمت اخیر فرمایشتان راجع باین بود که با اینکه تصدیق صدور وقتی معتبر میشود که اسعار فروخته باشد دیگر تعهد اسعاری گرفتن چه لزومی دارد. در بادی نظر انسان اینطور خیال میکند که واقعا کار لغو زیادی است برای اینکه تصدیق صدور وقتیکه اعتبارش بفروش اسعار است قهراً آنکه صادر کرده و تصدیق صدور دارد و قهراً خودش میل دارد که تصدیق صدور معتبر شود و اسعار بفروش برسد ولی این عمومیت ندارد يك در سه تا رخنه ممکن است پیدا کند این است که بنظر دولت آمده است که تعهد اسعاری هم سر جای خودش باشد یکی سوء استفاده که قاچاقچی ها از آن میکنند برای اینکه بنده صادر کنند تعهد میکنند و حساب میکنم که من خودم واردات چی نیستم صادر کردم تعهد اسعاری هم که ندارم اسعارش را میدهم بيك قاچاقچی بقیمت گرانتری برای اینکه قاچاقچی جنس ورودیش صرف میکند بهر قیمتی اسعار را میخورد من اسعار را میدهم باو تعهدی هم که جائی ندارم تصدیق صدورش را هم میاندازم دور برای اینکه تصدیق صدور دیگر معنی ندارد این يك رخنه است که باید سد بشود و راهش این است که باید تعهد اسعاری گرفت که صادر کننده بداند که این اسعار جائی نمیرود باید بالاخره برگردد بمملکت يك قسمت های دیگر هم دارد این موضوع که بنده حالا نمیخواهم توضیح بدهم بالاخره يك مؤسساتی هم ممکن است وقتی تعهد اسعاری نباشد يك استفاده های دیگری هم بکنند در هر صورت بنظر دولت تعهد اسعاری هم لازم است و لا اقل این است که ضرر ندارد و اطمینان بخش تر است و خوب وقتیکه خواست تصدیق صدورش را معتبر کنند و اسعارش را فروخت قهراً این مقصود انجام میشود و عیبی ندارد مدتش هم که زیاد تر است بعلاوه در این قانون پیش بینی شده که اگر یکسال هم گذشت و جنس بفروش نرفت ممکن است دولت باسنادش رسیدگی کند و مهلت بدهد در این صورت خوب است موافقت



بفرمائید که تعهد اسماعاری هم سر جایش باشد با سایر قسمت هایش هم که اصولاً موافقید.

رئیس - آقای رهنما.

**رهنما** - آقای رئیس يك تذکری فرمودند... (جمعی از نمایندگان - بلند تر صحبت کنید) راجع بهمان است میخواهم عرض کنم آقای رئیس تذکری فرمودند که دو رعایت باید بشود تا بالاخره مطالب افراد برای همدیگر مکشوف باشد، و جزو اسرار نباشد و آن این است که ناطق بلند تر حرف بزند و رفقا هم کمتر. حالا بنده سعی میکنم بنوبت خودم این رعایت را بکنم رفقا هم موافقت بفرمایند یعنی در کمتر صحبت کردن. بنده با این لایحه که دیشب در فراکسیون تصویب شده و امروز به مجلس آمده مخالف مخالفت بنده در روی يك اصلی است که شاید قسمتی از نمایندگان خودشان متوجه هستند و شاید خود دولت هم متوجه این قسمت باشد ولی با چاره بنظر بنده نرسیده یا چاره در عمل میخواهند پیدا کنند. قانون تجارت اولاً باید ببینیم برای چه پیدا شده است در ایران قانون تجارت چرا بوجود آمد. قانون تجارت در نتیجه ترقی اسعار خارجی که از چهار تومان و هشت قران که شروع کرد بیلا رفتن به پنج تومان و شش تومان و هفت تومان رسید صدای آقایان تجاری که تعهد کرده بودند لیره بپردازند بلند شد و دولت هم مداخله کرد قانون انحصار تجارت پیش آمد و روی این اصل بوده اتفاقاً خوب فکری هم شد باین معنی که گفتند ما اگر چه از نقطه نظر اسعار متوجه این قضیه شدیم برای اینکه قبل از ترقی اسعار قانون تجارت نبود این فکر هم نبود این لایحه هم نبود برای اینکه اساساً قانون تجارت خوب چیزی است حقیقه هم اینطور بود چرا برای اینکه تنظیم این قانون تجارت گذشته از مسئله اسعار متوجه شد يك مسئله اساسی و آن مسئله اساسی عبارت بود از تشویق صنایع و مؤسسات داخلی تا اینجا بسیار خوب. قانون تجارت جلو اسعار را نگرفت (دکتر ظاهری - قانون انحصار تجارت) بلی قانون انحصار تجارت جلو اسعار

وزیر عدلیه هم یاد داشت میفرمایند بسیار خوب یادداشت هایشان هم خیلی دقیق است ولی خواهش میکنم متذکر باشند که قانع بکنند ما را و البته این کار را در عمل میکنند و محتاج نیست که ما مجدداً اجازه بگیریم، دلالتان را مبسوط تر و بسیط تر بفرمائید که ما واقفاً قانع شویم عقیده پیدا کنیم کنوکیون (Conviction) پیدا کنیم که این صحیح است. در اینجا يك فرق مهمی که دارد با قانون پیش این است که سابق بر این تصدیق صدور را میدادند و میفروختند و در مقابلش هشت ماه تعهد اسماعاری داشتند که اگر تعهد اسماعاری را اجرا نکنند مطابق قانون چه میشود حالا این تصدیق صدور را میگویند باید با اسعارش ضمیمه باشد اینطور است دیگر یعنی اگر کسی يك مقدار کمی خارج کند بایستی صبر کند فروش برود اسعارش را بیاورد بیا يك بدهد تا تصدیق صدورش قیمت پیدا کند این است دیگر بنده نمیدانم که این مشتریهای دست بنقد که در فرانکستان و در امریکا برای کتیرای ما باری این چیزها هست که فوری دلار و طلا را رویش بگذارند هست آقا واقعا یانه. بنده میخواهم این سؤال را بکنم هست باین نقدی که تا مال التجاره را بردند نیوبرک یا برلن فوری اسعار خارجی را بگذارند آن مال التجاره را ببرند؟ آن مال التجاره که ما اینطوری تهیه میکنیم و اینطور زحمت میکشد دولت که حسن شهرتش را حفظ کند ما میاوریم بيك صورتی که اگر مشتری ببیند اصلاً فرار میکند آقا شما میفرمائید اسعار را کجا تحصیل کند؟ بفرمائید بنده واقعا این را میخواهم سؤال کنم اینرا که شما تحقیق کردهاید در انبارهای اروپا یا امریکا چقدر مال التجاره های شما هنوز فروش نرفته است و دارند کرایه میدهند اینها را بنده واقعا خواستم ببینم چطور ممکن است در صورتیکه از خارجه بيك مال التجاره هائی میاید اینجا که شاید خیلی مورد احتیاج باشد از نقطه نظر احتیاج فتنی که خیلی مهم تر از احتیاجات دیگر است با وجود این میاید اینجا سالها میماند آنوقت ما چطور

میتوانیم مال التجاره ببریم آنجا و بزودی بفروش برسانیم آقای یاسائی اینجا تذکری دادند که شاید بنده متوجه نشدم حالا اینرا میگویم خودشان تصدیق میکنند یا میگویند اینطور نیست در مسئله قاچاق فرمودند اگر ما تعهد اسماعاری نگیریم و این اسعار را با تصدیق صدور مطالبه نکنیم کمک میشود به قاچاق. اینطور فرمودند عرض کنم آقا قاچاق اصلاً يك داستان علیحده است هر مالی را وقتی بی تناسب بهش تحميل کردید و بی اندازه مرغوب شد او قاچاق میشود حالا مردم طلا را چرا بر میدارند قاچاق میکنند برای اینکه قیمت دارد. مردم که بر میدارند شکر را از سرحد میاورند اینجا قاچاق میکند بنده شنیدم که در سه فرسخی چهار فرسخی کرمانشاه این را خوب است دولت تحقیق کند بنده اینطور شنیده ام قند را در چهار فرسخی کرمانشاه هفت قران میفروشد در خود کرمانشاه چند میفروشد بیست قران یا بیست و دو قران طبیعتاً این برای آن آدم بیکاری که کار ندارد اصلاً صرف میکند که پا شود برود بین النهرین از پشتکوه دوتا کیسه بپوشد کولش بردارد بیورد کرمانشاه بفروشد پس این قسمت قاچاق مربوط باین قضیه نیست شما با قاچاق در این سرحدات وسیع چه میتوانید بکنید تازه ایشرا هم بگیرد بازار دیگر میکنند میرود سرمایه قرض میکند جوهر میخرد و هزار درد بیدرمان که در این مملکت هست و نمیشود گفت میکنند جور دیگر قاچاق میکنند بشا این بنده میخواستم ایشرا عرض کنم که اگر ما تحقیق کنیم و خود آقای رئیس تجارت لابد اینقسمت را اطلاع دارند ما دوسه چیز را باید بدانیم اولاً محصول ایران کتیراست و قلی و عرض کنم نینه و این قبیل چیزها. در حال حاضر نسبت به سال قبل یا دو سال قبل در بازارهای دنیا تنزل کرده یا ترقی؟ (بوشهری - تنزل کرده) مشتری بیشتر شده یا کمتر؟ خواهش میکنم این سؤال ما را خیلی با دقت جواب بدهند. کتیرا قالی همین صادراتی که ما داریم صادرات مهم متأسفانه غیر از اینها که نداریم اینها در بازار نیوبرک یا لندن هر کجا که هست بموجب اطلاعاتی



که از نماینده‌هاشان دارند نسبت به سه سال قبل ترقی کرده یا تنزل اگر تنزل کرده تنزل آنها بچه نسبت است مثلاً بنده شنیدم که کتیرا سابقاً هفده من و نیمش سی یوند بوده تنزل کرده بچند یوند؟ به سیزده یوند و این مسئله هم آیا صحیح است یا نه بنده اینرا میخواستم سؤال کنم (وزیر عدلیه - یکدفعه دیگر بفرمائید) کتیرا سابقاً قیمتش بود سی یوند اخیراً تنزل کرده سیزده یوند یا چهارده یوند یا خیلی ترقی خواهیم بکنیم یا نزده یوند نصف قیمت شده است این صحیح است یا نه؟ دیگر استدلال و فصاحت بنده نمیخواهم فقط میخواهم بگویند آره یا نه (رئیس کل تجارت - صحیح است ولی همه اجناس اینطور نیست) حالا آن اجناسی که ترقی کرده بفرمائید همین آره و نه بگویند (رئیس کل تجارت - بلی) باین قدر؟ (رئیس کل تجارت - اما خشکه بار دو برابر) بله حالا این را خواهر میکنم رسماً پشت تریبون بفرمائید دو برابر آنوقت ما قبول میکنیم اینها را مقایسه کنیم از روی قیمت فروش از روی قیمت و وضعیات اقتصادی دنیا آنوقت بیائیم به بینیم اگر تمام حسابها مان درست است آنوقت بگوئیم تصدیق صدور باید اسعار هم همراهش باشد و الا بعقیده بنده اگر بخواهیم این قضیه را در تحت فشار بیاوریم همان مقصود بلندی هم که خود دولت دارد از قانون انحصار تجارت در عمل ممکن است به بینید نقض شده و آن چیست؟ و آن این است که صادرات هم صدمه نخورد و اگر صادر بکنند بیک شکل احتیاطی که اگر سال قبل صد هزار تومان صادر میکرد حالا پنجاه هزار تومان صادر کنند و الا بیائیم نقض غرض کنیم و یک مقصود بلندی از آن گرفته ایم نه از نقطه اسعار از نقطه نظر اسعار هیچ اثر نگرفته ایم از نقطه نظر انحصار تجارت ما خیلی چیزها پیدا کرده ایم آنهایی که آقای وزیر عدلیه بعد میگویند من حالا عرض میکنم. مؤسسات پیدا کردیم کارخانه جوراب پیدا کردیم کارخانه نخ پیدا کردیم بنده همه اینها را عرض میکنم اینها درست اما اسعار را درست نکردیم حالا بیائیم این کارخانه‌ها را حفظ کنیم

زیاد و اهل منطق هستند بیایند مقدمه يك قضیه را قبول بکنند و نتیجه آن را نفی کنند حالا من اگر این را برای شما تشریح کردم بطوریکه انصافاً قانع شدید آنوقت گمان میکنم حق داشته باشم که این حرفی را که در ابتدا زدم که اشتباه باین بزرگی را از شما انتظار نداشتم عرض بکنم. خیلی عذر میخواهم که مسئله را مجبور هستم که از اینجا بگیرم برای اینکه اگر برویم روی کلیات بالطبع میشود آن حرفها را زد تا آخر. آقا میفرمائید که قانون انحصار تجارت برای ترقی اسعار کاری نکرده برای چه؟ برای این بود که آنوقت هفت تومان بود بعد شده تومان بعد بازده تومان اصل استدلالشان این است هیچ فکر نمیکنند که باید این فکر را میکردند که اگر قانون انحصار تجارت نبود چه میشد حالا بنده ثابت میکنم بنده خاطر میآید باید این مثل را هم بزنم گرچه وقتان گرفته می شود خاطر میآید وقتی بنده در اروپا بودم در سر يك میزی بودیم يك کسی هم در سر میز دیگر غذا میخورد و آب تقریباً جوشیده برایش می آوردند بنده پرسیدم از کسی که این از برای چه آب جوشیده میخورد خیلی قشربه زیاد بود گفتند برای اینکه چاق نشود گفتیم اینک باین چاقی است گفتند اگر نخورده بود میدیدید چه میشد آقا همین دلیل را می آورند که او می آورد پس از این مقدمه میرویم سر نتیجه آقا قیمت اسعار را از آقا سؤال میکنم همانطور که شما از من سؤال فرمودید قیمت اسعار بسته به چیست قیمت اسعار را قطع دارم که الف بای مسئله است و آقا هم خوب میدانید خواهید گفت عبارت است در درجه اول از تفاوتی که بین طلب های ما از ممالک خارج و بدهی های ما بممالک خارج صادرات و واردات از يك طرف و واردات و صادرات غیر مرئی از يك طرف و از طرف دیگر بسته است به جنس پول. این دو عاملی است که قیمت اسعار يك مملکت را فرق میدهد اما مسئله اول چون گمان میکنم بقدری دیگر

گفته شده است که هیچ محتاج بتوضیح نیست بنده فقط اشاره بآن میکنم و رد میخورم یعنی مسئله تعادل هر قدر محکم تر باشد البته قیمت اسعار ثابت تر است اگر بنا باشد بدهی و مخارج خیلی بیشتر شد از طلبهایی که از مخارج داریم طبیعتاً قیمت اسعار خارج ترقی میکند مملکتی که فرض کنید باستی پنجاه میلیون لیره به خارج بدهد و بده کار است و بعد افراد آن مملکت شصت میلیون لیره از خارج طلبکار هستند همیشه ده میلیون دارایی برای اینها باقی میماند بهمین جهت آن اشخاص که اسعار دارند میخواهند بفروشند قیمت اسعار پائین می آید و بالعکس قیمت اسعار بالا میرود اگر این را قبول بفرمائید پس هر وقت ما موفق شویم که صادرات را زیاد بکنیم و واردات را کم بکنیم قهراً در قیمت اسعار تأثیر می کنند این قبول است یا نه؟ (رهنا - بلی) خوب در این صورت خود شما قبول میکنید که بله آقا من تصدیق میکنم قانون انحصار تجارت جلو گیری کرده است از يك قسمت از واردات که سابقاً وارد مملکت می شد و يك قسمت جنس هم بیشتر صادر میشود اما با آن همه باز قانون انحصار تجارت برای اسعار کاری نکرده است این را دیگر نمیدانم چه باید گفت؟! بنده تعجب میکنم! شما خودتان وقتی که آن مقدمه را تصدیق کردید که اگر بنا باشد بیشتر جنس صادر کردید و کمتر وارد کردید آنوقت اینکه از راه اسعار بشفع مملکت کار میکنند نمیتوانید قبول نداشته باشید. ممکن نیست کسی این را انکار کند! خودتان تصدیق فرمودید آنوقت با وجود این حال شما چطور میگوئید با اینکه راست است صادرات ما زیاد تر شده است واردات ما کمتر شده با وجود اینها کاری برای اسعار نکرده. بچه دلیل؟ بدلیل اینکه قیمت بالا رفت بنده عرض میکنم آقا اگر نکرده بود به بینید چه میشد. شما که امروز (ولو کم) يك مقدار از واردات را کاستید. امروز که بقول خودتان بآن بیان شیرین خودتان فرمودید کونی هم میتوانیم بیوشیم (در صورتیکه تن هیچکدام از آقایان بنده کونی وطنی نمی بینم) امروز



که يك قسمت از اشیاء تجملی جلوش گرفته شد و واقعاً هم صادراتی که سابقاً همیشه بشهادت ارقام از حیث اینکه صادر میشود حالا چه میزان است بنده در آن حرف دارم بنده با آن اندازه که میزان حقوق گمرکی ما نشان میدهد ولی در هر صورت يك مال التجاره که سابق نمیرفت حالا میرود پس اگر ما بواسطه قانون انحصار تجارت آمدیم يك کاری کردیم که جنس بیشتر صادر شد يك کاری کردیم که جنس کمتر وارد شد این مسلم است که قانون در قیمت این مؤثر بوده است حالایك عوامل دیگر هست که آن عوامل باعث این شده است که خیلی جلوگیری نشده است و از طرف دیگر اگر همان طور که عرض کردم اگر آن مؤمنی که خیلی قطرش زیاد بود اگر آب جوشیده نمایی خورد به بیند اگر قانون انحصار تجارت نبود چه مسمی شد؟ بلی شما میتوانید يك چیزی بگوئید که علی ای حال از قیمت نقره تجاوز نمیکرد یعنی تقریباً اگر قانون انحصار تجارت هم نبود قیمت اسعار خارجی ما بيك حساب عادی معادل میشد با قیمت نقره یا بعبارت دیگر معادل میشد با قیمتی که شما نقره را بدهید کرایه اش را هم بدهید بپردازید خارج بلی این در وقتی بود که میگذاشتند شما نقره را بپردازید و مصاحبت هم نبود که این کار بشود برای اینکه تا چند روز شما خواستید این کار را بکنید که قیمت نقره برود یکقدری تعدیل بکنند ولی آنوقت که با اصطلاح معروف گفتیر به ته ديك بخورد آنوقت بنده نمیدانم که آقای رهنما من چه فکری میتوانستیم داشته باشیم حتی قانون انحصار نه تنها آن قسمت هائی که آقا قبول دارند یعنی روشن است و بدیهی است دولت قبول کرده ولی آن نتایجی را که آقا قبول دارید که نتایج غیر مستقیم آن است که تعدیل در نرخ اسعار است تا آن اندازه که ممکن است کرده است و باینجا رسیده بالا تر رفته و این نرخ را دلیل بریدی این قانون نمیشود فرض کرد. چرا تصدیق صدور را که تا دیروز یا دیروز ما آمدیم و قرار گذاشتیم که خودش يك قیمتی دارد و اجازه ورود میدهد چرا بعد از این نگوئیم که بایست

فقط راجع بکلیات است برای اینکه اگر اصولاً ما این لایحه را قبول کردیم جزئیاتش دیگر بحثی ندارد برای اینکه دیشب در فراکسیون صحبت شده اصلاحات عبارتی هم اگر بوده کرده اند بنا بر این اجازه بدهید تمام کسانی که اجازه خواسته اند در کلیات صحبت کنند (چند نفر از نمایندگان - بفرمائید) عرض کنم که بنده اگر جای آقای رئیس کل تجارت بودم اول دلیل آوردن این لایحه را به مجلس اعلام میکردم برای اینکه ما قبلاً يك قانون انحصار تجارت داشتیم دلیل اینکه میخواهند این را بیاورند بفرمائید چیست برای اینکه لایحه بدرجه منصل و بدرجه معقد و بد عبارت است که حقیقه اغلب مردم چیزی ارزش نمیفهمند بنده دوسه نکته از این لایحه جدید فهمیدم یعنی دوسه اختلاف مهم دارد با آن لایحه قدیم یکی مسئله ان تعهد اسعاری است که تعهد اسعار را باید قبلاً بکنند یعنی اسعارشان را بدهند و بعد جواز بگیرند یکی هم راجع مدت است که مدت را در اینجا کمتر کرده اند سابقاً یکسال بوده حالا هشت ماه کرده اند (بعضی از نمایندگان - هشت ماه بوده یکسال شده است) خیر آقا کمتر شده و بیشتر اهمیت این لایحه در موضوع اسعار است بنده صاف و پوست کنده میخواهم از آقای وزیر عدلیه از آقای رئیس تجارت بپرسم که اسعار خارجی چه اهمیتی دارد این اصرار و مانعی که در خصوص اسعار پیدا کرده اند برای چیست عرض کنم در اوائل امر دوسال قبل اسعار شروع کرد به ترقی کردن همینطور که رفیق من گفت تجار شروع کردند بشکایت کردن برای اینکه آنها تعهد ایزه داشتند و بعد ایزه شان را که میخواستند بدهند ایزه پنج تومان و چهار تومان و هشت قران را با باید در هفت تومان و هشت تومان بدهد از اینجه شکایت کردند و دولت هم بیخود آمد مداخله کرد در موضوع اسعار و خواست اسعار را در تحت نظارت خودش در بیاورد از آنوقت تا بحال این مسئله اسعار يك مانعی و در حقیقه يك مالیخولیائی برای دولت شده است بنده تا بحال نفهمیدم که ترقی اسعار چه ضرری برای

دولت دارد ترقی اسعار همانطوری که آقای وزیر عدلیه گفتند يك علامتی است از عدم معادله صادرات و واردات ترقی اسعار نشان میدهد که واردات ما بیشتر از صادرات است برای این يك قانون انحصار تجارت آوردند و بوسیله قانون انحصار تجارت میخواهند معادله صادرات و واردات را درست کنند در اینصورت چرا مداخله در اسعار میخواهند بکنند چرا اصرار دارند که حتماً می خواهند اسعار را در نه تومان یا ده تومان یا دوازده تومان نگاه بدارند بنده تا بحال هر چه فکر کردم این را نفهمیدم برای اینکه ملاحظه بفرمائید حالا ممکن است بگویند که تنزل پول هر مملکتی برای آن مملکت مضرت است بنده عرض میکنم مملکت ما پولش تنزل نکرده پول مملکت ما همان قدر و قیمتی که سابقاً داشته دارد بدلیل اینکه همان دو قرانی که سابقاً میدادیم ماست بخریم حالا همان مقدار ماست میدهند فقط چیزی که هست پول شما در مقابل اسعار خارجی تنزل کرده یعنی اسعار ترقی کرده آنها بواسطه عدم معادله صادرات و واردات است. این مسئله تقریباً بدیهی است و آقای وزیر عدلیه هم گفتند که تکرار میکنم وقتیکه واردات يك مملکتی زیاد تر شد آدم تعهدش در مقابل آن زیاد تر میشود البته قیمت اسعار بالا میرود. قانون انحصار تجارت باید يك کاری بکند که معادله را درست بکند یعنی باید صادرات و واردات را بيك میزان نگاه دارد اگر این معادله صادرات و واردات را بيك میزان معین کرد دیگر چه لزومی دارد که مداخله در اسعار بکنیم. اینجامعکر صحبت از بورس سیاه میکردند بنده حقیقه معنای بورس سیاه را هم نفهمیدم برای اینکه بموجب يك قانونی مافروش اسعار را آزاد گذاشتیم حالا اسعار ترقی میکند برای چیست برای این است که دولت موفق نشده است که قانون انحصار را درست و بشمار معنی اجرا کند پس دولت هر وقت قانون انحصار تجارت را بشمار معنی اجرا بکند اسعار فی حد ذاته تنزل خواهد کرد آقای وزیر عدلیه در رد آقای رهنما همین استدلال را میکردند که قانون انحصار تجارت



تقنی کرده این بواسطه چیست آقا؟ اگر میفرمائید بواسطه قیمت اسعار است اینطور نیست قیمت اسعار آنها صد صدی نیست ترقی کرده ولی قیمت اجناس صدصد ترقی کرده این بواسطه چیست؟ بواسطه همین سخت گیریهاست که در قانون انحصار تجارت کرده اند کم کار را بجائی میرسانند که چلووار و ململ را هم قاچاق میکنند پس بنابر این دولت باید يك فرمولی اتخاذ کند که این قاچاق را بالطبع کم کند نه اینکه قاچاق را روز بروز زیادتر کند و روز بروز تشویق کند. يك مسئله که بنده میخواستم این جا تذکر بدهم این است که نتیجه این قانون آن میشود که تقریباً تمام تجار داخلی ما دستشان از تجارت کوتاه میشود و بیکار میمانند و برعکس تجار خارجی بهتر میتوانند استفاده کنند برای اینکه تجار خارجی اسعار دارند موجود و بلافاصله میتوانند تعهد اسعارشان را بپردازند جنس وارد کنند و دوباره صادر کنند و تعهد خودشان را بهتر میتوانند انجام بدهند بنده نمیدانم آقایان تصدیق میکنند یا نه آقایانی که تاجرند بهتر از بنده میدانند تجار داخلی ما باید جنسشان را بفروشند و جنس ممکن است شش ماه یکسال در خارجه بماند فروش نرود و غالباً اسعار موجود ندارند اگر اسعار موجود هم داشتند میدادند و جنس وارد میکردند بنابر این ملزم میشوند که جنس وارد نکنند و تجار خارجی بواسطه اینکه اسعار در خارجه دارند همینقدر که جنس را بخارجه بردند بلافاصله بفروشند تعهد اسعارشان را بپردازند و جنس وارد میکنند این میشود که بازار را از دست تجار داخلی بگیرند و همچنین باز در این قانون يك شرطی شده است راجع به ماشین آلات نوشته است ماشین آلاتی که قیمت اسعار آن در خارجه تحصیل شده باشد از تعهداتی که در این قانون باید بکند معاف است نتیجه این میشود که هر تاجر فرنگی که بتواند کارخانه وارد کند وارد میکند و بزودی کارخانهجات در دست فرنگیها خواهد افتاد و تجار داخلی ما نمیتوانند اندوختری مملکت را اداره کنند.

برای اینکه جنس وارد کنیم و بگوئیم انشاء الله جنسشان را بعد خواهیم فروخت و اسعار خواهیم داشت این مقتضی است این خوب است؟! که آدم باعتبار اینکه بعد يك چیزی را که ندارد و پیدا خواهد کرد برود چیز بخرد بنده که خیال نمیکنم! اما اینطور خیال نمیکنیم ما خیال میکنیم که خوب این تصدیق صدور که ما میدادیم برای این بود که خوشوقت بودیم جنس از اینطرف سرحد برود بان طرف سرحد و لو اینکه بریزند توی دریا! برای اینکه نبوده است این از برای این بوده است که پول بیاورد. پس وقتی ما مطمئن خواهیم شد که پول میآورد که پول را آورده باشد این یکی یکی دیگر متأسفانه اخلاق افراد در مملکت (اختصاص بمملکت ما هم ندارد چون بقدری هم عادت شده ما خیلی از خودمان بد میگوئیم این را هم بنده خوشه نمیگویم در همه جای دنیا منتهایش ما بقدری از جاهای دیگر بدتریم) اخلاق عمومی طوری نیست که بتوان تقاضا کرد منافع خودشان را برای منافع مملکت نکنی زیر پا بگذارند افراد سعی میکنند که منافع خودشان را تأمین کنند آن قوه هم که در مملکت هست مجلس از برای قانون دولت هم از برای اجرا وقتی که دیدند که خیلی تمس پیدا میکنند و برای مملکت مضر است قانون جلوی آنها را بگیرد ولی نمیشود مکرر وجود آنها شد جنس آن اشخاص که تغییر پیدا نمیکند باید قیمت فروش را معین کنند جنس هائی که صادر میکردند چون دیدند وارد کردن خیلی خوبست میکنند برای اینکه میآوردند آقا بنده و دیگران بهر قیمتی که بخواهند میفروشند جنسهائی که صادر می کردند میآمدند یک چیزی که بیست تومان قیمت داشت میگفتند چهل تومان فرضاً يك چیزی را بحساب گمرکی اگر باسعار خارجی میخواستند معین کنند هزار لیره میشد قیمتش. برایش گذاشته میشد چیزی هزار لیره تقلب و اشتباه هم میشد حالا وارد این مبحث نمیشود آنوقت باشا فرمود درست میشد میدیدیم که دارای بانک صادرات خیلی هنگفتی شدیم در مقابل این صادرات که جواز میدادیم جنس وارد میکردند آقای همکار بنده و رفیق محترم آقای رئیس کل

تجارت هم احصائیه ها شان را که از گمرک میاورند هم چاپ میکنند ایشان نگاه میکنند می بینند در این بحران اقتصادی دنیا که هیچ مملکتی مثل مملکت ما در دنیا نیست برای اینکه بیشتر از آنچه که از دیگران میخرند بدیگران فروخته و بهتر از این نمیشود دیگر ولی در واقع آن ارقام يك قسمتش راجع باین ترتیب بود یعنی يك چیزی را که میگفتند که امسال ما آمدیم یا در آن ماه آمدیم و دو میلیون صادر کردیم آنوقت چطور جلو آنرا بگیریم یکی این است که شما میفرمائید اشخاص امین انتخاب کنیم کلیت خیلی خوب است و البته دولت هم اقدام میکند يك مجازاتهایی هم میکند خیلی هم اقدامات میکند ولی در تمام نقاط مملکت در تمام این سرحدات اگر شما بخواهید اشخاصی را که خیلی دارای معلومات کافی باشند و تحصیلاتشان خیلی زیاد باشد بگذارید برای مقومی گمرک آنها در این مملکت پهناور بالاخره بنظر بنده این يك خیال غیر عملی میشود يك راهش این است که بگوئید آقا چون من این چیزی را که می برم بیست لیره است بگوئیم بیست لیره است بیاور بفروش البته نمیتوانیم بگوئیم که منفعت ندارد بد بختانه بعضیش را حالا تقسیم و بیش بینی کردیم ولی باز ممکن است يك وسیله راحت تری از برای کسی که میگوید جنس را ببرم و این جنس فلان قدر لیره است هست و آن این است که اصلاً بداند جنسش را باید بفروشد و تا وقتی که بفروخته تصدیق صدورش قیمت ندارد بعبارة آخری ما نمیدانیم باحتمال اینکه اجناس صادرات ما بعد از ششماه یا هشت ماه یا یکسال یکسال و نیم دیگر بفروش خواهد رفت امروز يك جنس را برداریم بیاوریم اینجا بفروشیم برای اینکه اگر اشکار را کردیم اولاً برخلاف عقل است و این کار را نخواهیم کرد و ثانیاً در قسمت همان اسعاری که صحبت میکردیم این یکی از آنجا هائی است که تاثیر میکند چرا بجهة اینکه اسعار از خارجه نیامده شما محتجج باسعار خارج خواهید شد فرضاً صد هزار دلار در صندوقتان دارید ولی



چون سیصد هزار دلار جواز دارید البته این صد هزار دلار نمیتواند جواب همه اش را بدهد و البته در قسمت فروش اسعار در تنگنا خواهیم بود حالا این مسائلی که بنده عرض میکنم يك عیبی است خوب آقا شما که خودتان آمدید میگوئید اجناس آیا ترقی کرده است یا تنزل (اینجا يك مباحثه بین انجمنی هم شد و آقای دشتی هم يك عبارتی گفتند خشک بار) بلی خشک بار ترقی کرده بگی از آقایان گفتند که فلان چیز هم تنزل کرده ولی بنده اصلاً شبهه را قوی میگیرم که همه چیز تنزل کرده آقا بواسطه قانون انحصار تجارت تنزل کرده؟ خیر مطلب چیز دیگری است. عرض میکنم تنزل کرده است برای اینکه تمام اجناس دنیا تنزل کرده است آقا شما در تمام روز نامه ها نخواهید دید که امروز دنیا در بیکاری است در گرانی است می بینید که اغلب کارخانه ها بسته میشود برای آنکه نمیتواند محصولاتش را بفروشد. چرا تنزل کرده؟ برای اینکه همانطور که اجناس دیگر تنزل کرده (ورنگ - پس چرا اجناس دیگران برای ما ترقی کرده) اجازه بدهید که عرض کنم این که میگویند تمام اجناس ما تنزل کرده بنده میگویم تمام اجناس دنیا تنزل کرده شما خودتان هم که موافقید مربوط به قانون انحصار تجارت نیست پس در اینهم که موافقید بنده میخواهم بروم بجای دیگر استدلال اجازه بدهید شما که میگوئید تنزل کرده شما میگوئید آقای رهنما مشرتوی که است شما که میفرمائید ممکن است نخرند آقا آنوقت شما پیشنهاد میکنید باعتبار يك همچو اجناس ما جنس بخریب؟ شما پیشنهاد میکنید که تمهید اسعاری نمیخواهد یعنی پولش را ندهد و جنس بخرد؟ چه جنسی را آن جنسی را که خودتان میگوئید قیمتش تنزل کرده و مشرتوی ندارد و احتمال میبرد که فروش هم نرود نتیجه این میشود که وقتی که شما میفرمائید تمهید اسعاری را که لازم نیست آنوقت بگویند آقا جنسهای ما تنزل کرده است در خارج ممکن است فروش نرود یا زود بفروش نرود خوب آقا باعتبار يك همچو دیوار بوسیده شما میخواهید

يك چنین رومی را بزیند بواردات بنده نمیدانم چطور میشود؟ اگر آن منطقی آقا را بگیرم بیشتر لازم است که ما احتیاط بکنیم اگر جنس ما يك جنسی بود که روبروی بود و بلا فاصله تا میرفت پولش را میدادند ممکن بود بگوئیم این طلاست به محض اینکه صادر شد بازار دارد ولی شما میگوئید کتیرا است قالی است شما که میگوئید اصلاً قیمت ندارد شما که میگوئید هیچ است خوب باعتبار آن باعتبار يك همچو چیزی شما میگوئید اجازه بدهیم یعنی چه یعنی باعتبار تصدق صدور اجازه بدهیم جنس وارد کنند ما میگوئیم نه تجربه پیدا کرده ایم دیده ایم خود تصدق صدور قیمت را بالا میبرد بعلاوه محض احتیاط آقای رهنما ما هم بکفتری احتیاط میکنیم میگوئیم بعد از اینکه این جنسهای که باید بفروش برود فروخته شد پولش را بگیرند آنوقت اجازه بدهیم که در مقابلش جنس بخرند نه باعتبار جنسی که ممکن است بفروش برسد و ممکن است بفروش نرسد این اقتصادی تر است. اگر روی استدلال آقا برویم در این قسمت ها در عین اینکه یکی از آقایان آقای رهنما میگفتند که خوب است ما را قانع کنی البته این خیلی خوب است ولی این امری که میفرمائید این دو طرف دارد يك قسمتش در دست بنده است و يك قسمت هم در دست آقا بنده البته باید استعداد این را داشته باشم که مطلب را تشریح کنم آقا هم باید لطف این را داشته باشند که محبت به بنده داشته باشند که قانع بشوند نه اینکه چون خودتان انطور فرمودید سخت باشید قانع نشوید اگر اینطور باشد قانع نخواهید شد ولی معیناً ما فکرمان را نیاوردیم که همینطور بگذرد ما میخواهیم بحث بشود ما که فکرمان را سر بسته نیاوردیم این يك اصطلاحی است که بشرط کرد بشما میفروшим شما بیاورید بشکافید اگر صحیح بود بپذیرید اگر صحیح نبود که هیچ جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم بنده نمیدانم آقایان چرا مذاکرات را کافی میدانند قسمت عمده صحبت مربوط باین لایحه

رئیس کل تجارت - اگر چه تصور نمیشد که مباحثات راجع بکلیات لایحه اینقدر طول بکشد ولی خوب يك فرمایشاتی فرمودند بنده هم جوابهایی عرض میکنم و همانطور که آقای وزیر عدلیه هم اشاره فرمودند خیلی هم اطمینان ندارم که قانع بشوند خود آقای دشتی وقتی يك مقاله در شفق سرخ نوشته بودند که عقیده دلیل نداشته دلیل عقیده ایجاد نمیکند محیط ممکن است که با يك آثاری عقیده ایجاد کند آن وقت برای عقیده اش دلیل ایجاد میکند و يك فلسفه برای آن عقیده میآورد و بمباره اخیری عقیده دلیل میآورد این صحیح است بنده هم در این قسمت با شما موافقم این جا فرمودند که آنچه که باعث آوردن این لایحه از طرف دولت شده است چیست و فلسفه اینکه دولت میخواهد کار را برای تجار داخلی و خارجی مشکلتر بکند و دولت چه نگرانی دارد از ترقی اسعار و چرا با این جنسهای خارجی که در بازار های خارج آقدر ارزان است در داخله ایران آقدر گران است و در نتیجه بهتر این است که سهمیه دولت معین کنند و اختیار بدهد بگمرک خانه ها در حدود همان سهمیه که هر کسی هر جنسی که خارج بکند مجاز باشد همانقدر وارد بکند تقریباً مقصود جنابعالی و این اختلافاتی که با قانون سابق میفرمودید دارد این بود. اول مسئله ترقی یا تنزل اسعار را بنده بطور خلاصه عرض میکنم بعد می آیم سر مطلب از تجار صادر کنندنده از هر کدام که بپرسید که ترقی اسعار چطور است میگوید خوب چیزی است و تمام تجار صادراتی طرف دار ترقی اسعار هستند و تمام تجار وارداتی مخالف ترقی اسعارند و دولت با فکر هر دو مخالف است و طرف دار تعدیل و يك وضعیت ثابت است نه دولت مایل است که اسعار مطابق میل صادراتی ها بلاحد ترقی کند و نه مایل است که بالاخره اسعار را بقیمتی برساند بحدی که از قیمت نقره هم در بازار آزاد دنیا پائین تر بیاید. صادراتی حساب میکنند که فلان مقدار خشکبار یا کتیرائی که فرمودید میبرد در بازار های مختلفه دنیا

میفرشد بهمان دلار ها و همان پوندهائی که سه سال پیش هم میفروخت فقط تفاوتش این است که حالا مبادله این دلار ها و پوند ها بادلار و پوند سه سال قبل با قران خیلی متفاوت است و مبادله اش با قران دوبرابر شده است این البته طرفدار ترقی است و همانطور که آقای رهنما فرمودند اگر کتیرا در سه سال قبل هفده من و نیمش سی پوند بوده است حالا شده است سیزده پوند حالا هم بار حساب میکنند که این سیزده پوند امروز و سی پوند آروز یکی میشود و میخواهد و اگر يك طوری شود و يك کاری بکنیم که ده پوند امروز با سی پوند آروز مساوی شود بهتر است یعنی هر چه ترقی بکند اسعار از نظر صادراتی بهتر است و الان با این که بنده تشویق میکنم از صادرات با قیمت کفش در بازار خارجه ولی چون اسعارش جبران میکند از این راه است و بهمین عشقت که مردم متمایلند به صادرات از طرف دیگر واردات چی متوجه است به اینکه هر قدر ممکن است اسعار پائین بیفتد که بتواند يك اجناسی را بقیمت ارزانتر وارد کند و در بازار در مقابل اجناس داخلی بقیمت گران تر بفروشد این ترقی اسعار ولو اینکه در بدو امر بتفع صادر کنندنده بنظر می آید و تمام میشود ولی بالمآل بضرر مصرف کننده تمام میشود این است که دولت عقیده مند است که باید اسعار مخصوصاً اسعار تجارتی يك وضعیت ثابت فیکسی داشته باشد بهمین جهت این لایحه تقدیم شده است که خرید و فروش اسعار قدری تحت نظر باشد و مخصوصاً اسعار حاصله از فروش صادرات با يك نرخ های ثابتی به بانکهای عامل دولت فروخته شود. آقای رهنما در ضمن بیاناتشان میفرمودند که این قانون انحصار تجارت برای اسعار هیچ کاری نکرده است آقای وزیر عدلیه هم يك جوابهایی فرمودند ولی بنده يك نکته یاد می آید يك مذاکره که چندی پیش با یکی از رفقای محترم که در مجلس بحث میکردیم آنرا میخواهم عرض کنم که يك وقتی در يك جلسه اگر خاطر آقایان باشد صحبت میشود و همکار محترممان جواب دادند که اگر قانون اسعار نبود از کجا



لیزه پانزده تومان نمیشد این حرف خیلی مورد توجه نشد امتحان شد و آزاد شد و لایحه تقدیم شد به مجلس و معاملات اسماعری آزاد شد از وقتی که آزاد شد دو مرتبه رفت بحال اولی پس اگر اسعار از همان روز اول در تحت نظر دولت میماند و همینطور که آقای وهاب زاده هم این عقیده را داشتند در آن موقعی که آن لایحه مطرح بود و ایشان این عقیده را اظهار کردند شاید حالا وضعیت اسماعری يك وضعیت بهتری پیدا میکرد. بکسب دگر را هم بنده میخواهم عرض کنم که ما هیچ از ترقی اسماعری شکایت نیستیم اگر مصرف کنندگان ما از گرانی اجناس شکایت نکنند اگر همانطور که آقای دشتی گفتند اجناس ارزان خارجی در بازار داخلی خیلی گران نبود دولت آن قدرها اهمیت به گرانی اسعار نمیدهد فقط از يك نقطه نظر است اهمیتی که به این قضیه داده میشود از نقطه نظر قران است از نقطه نظر پول است خلاصه عرض بنده این است که ترقی و تنزل اسعار از نقطه نظرهای مختلفه متفاوت است ولی از نظر اقتصاد عمومی مملکت اگر يك وضع ثبوتی داشته باشد بهتر است که تجار صادر کننده و وارد کننده از نقطه نظر پرداخت تا کجا حین صدور و حین ورود تکلیفشان روشن باشد و نرخ اجناس ورودی در داخله يك نرخ ثبوتی داشته باشد بهتر است يك فرمایشی آقای دشتی فرمودند که چرا اجناس انقدر گران است و خلاصه آنرا از اثر قانون انحصار تجارت دانستند بنده اینرا از خیلی اشخاص میشنوم و بالاخره امروز ورد زبان همه است ولی آن کسانی که شکایت میکنند متوجه يك قسمت مطلب میشوند و قسمتهای دیگر را از نظر دور میکنند یا اصلاً تجاهل میکنند (بعقیده بنده تجاهل میکنند) خیلی عادت کرده اند بيك زندگیهای مخصوصی و آن زندگی البته در آتیه یا خیلی مشکل میشود یا محدود میشود و دولت هم طرفدار این است که آن زندگیهای محدود شود و آنها قهراً اوقاتشان تلخ میشود و اغلب میکوبند اجناس چرا گران شده ولی نمیدانند که این اجناس ممنوع است و باید گران بشود یعنی هنوز تشخیص

مليون که مطابق شصت مليون صادرات باشد و از اصل مبلغ سی مليون حذف گردید آنوقت آن شصت مليون را الا هم فلاحم از حيث مبالغ کم و بیش کردید و گمرک خانها را هم از حيث حمايت صنايع داخلی کم و بیش کردید اگر همه تناسبات محفوظ نشود و باختیار تاجر گذاشته شود این خیلی مضيقه برای اجناس حاصل میشود آنوقت شاید اجناس ده برابر پنج برابر آنچه که حالا قیمت دارد قیمت پیدا کنند برای اینکه فلان تاجر در بندر بوشهر گوید میگوید که آنقدر باید نرخ کلاف آورد که مملکت اشباع بشود و دیگر احتیاج نداشته باشد و شروع میکنند باینکه هر قدر ممکن است نرخ وارد این مملکت بشود آنوقت شروع میکنند بضرر کردن و ور شکست شدن چون حساب بازار دستشان نیست چهارتا دلال میافتند نوی بازار و قیمت را بالا و پایین می آورند و حساب احتیاج مملکت را نمیکند بعد که این جنس زیاد شد متوجه میشوند بيك جنس دیگر که خوب فلان جنس گران شده خلاصه آنکه همیشه وضعیت واردات را با احتیاجات طوری بهم میزنند که راستی راستی هیچ اعتباری و اطمینانی بوضعیت تجار نمی شود پیدا کرد و بوضعیت خرید و فروش های عادی هم در بازار اطمینانی نیست در هر حال این يك مبحثی است که در خارج هم میشود صحبت کرد و بنده خیال میکنم که آقایان موافقت فرمایند که در کلیات مذاکره کافی باشد و البته در مواد هم اگر بخواهند آقایان مذاکره کنند میشود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

**بوشهری** - بنده اجازه خواسته ام

**رئیس** - جز آقای هشت نفر دیگر هم اجازه خواسته اند

**بوشهری** - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

بعضی از نمایندگان - رأی بگیری

**رئیس** - رأی میگیریم به کفایت مذاکرات اگر رأی ندادند آنوقت فرمائید. آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - کافی است. رأی میگیریم بورد در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. آقای رئیس الوزراء فرمایشی دارند؟

[ ۶ - معرفی رئیس کل فلاحات ]

**رئیس الوزراء** (آقای حاج مهدیقلی خان هدایت) - آقای فرخ را معرفی کرده بودیم بریاست صناعت حالا معرفی میکنیم به ذوالریاستین که ریاست فلاحات هم بعهده ایشان واگذار شده (صحیح است)

[ ۷ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف رئیس کل فلاحات و صناعت ]

**رئیس کل صناعت و فلاحات** (آقای فرخ) - لایحه ایست راجع باستخدام متخصص چینی برای قسمت چایکاری لاهیجان که بمقام ریاست تقدیم میشود.

[ ۸ - بقیه شور و تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت ]

**رئیس** - ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین میزان و شرایط ورود و صدور آنها در حدود مقررات این قانون بدولت واگذار میشود.

**رئیس** - آقای ملک مدنی

**ملک مدنی** - چون ماده اول است بنده يك توضیحی میخواستم که در کلیات نوبه به بنده نرسید و در ماده اول این حق مطابق نظامنامه هست که بنده نظر خودم را بطور کلی عرض کرده باشم. عرض بنده راجع بخرید اسعار برای محصلین خارجه است که در این قانون بنظر بنده هیچ بیس بیبی نشده است البته اطلاع دارید که يك عده زیادی محصلین هستند که با مخارج اولیا ایشان بخارجه فرستاده شده اند و در این مدت هم همیشه برای خرید اسعار با يك مشکلاتی مواجه بوده اند حالا موقعی که قانون اسعار آزاد بود باز در خرید بکفتری دستشان باز بود و نمیتوانستند خرید کنند زیرا اگر چه قیمت خیلی گران بود ولی اشکالی نداشت حالا مطابق این قانون تمام اسعار خارجه در بانکهای که از طرف دولت مجاز میشوند مرکزیت داده شده و بنظر بنده در هیچکدام از این مواد پیش بیبی نشده که اشخاصی که اطفاشان را برای تحصیل بخارجه فرستاده اند و هر کدام



بایک زحمت و مشقتی ماهی پانزده پوند، بیست پوند تفاوت محل و مظنه برای آنها میفرستند ولی معلوم نیست که از فردا اینها باید بکجا مراجعه کنند و وضعیت این محصلین در خارجه چه صورتی بخودش میگیرد خیال میکنم یکی از کارهایی که دولت البته باید توجه بکند وضعیت آسایش آنها است و تأمین اینکه اولیای این محصلین درموقع بتوانند پول برای آنها برسانند که اینها در مضیقه و زحمت نیفتند حالا اعم از اینکه قیمت ثابتی داشته باشد یا نداشته باشد بنده در این قسمت عرضی ندارم و اگر البته دولت بتواند یک نرخ ثابتی را در نظر بگیرد که یک مراعاتی از آنها شده باشد برای خرید اسعار البته بهتر است اما اگر این قسمت هم برای دولت مشکل باشد لااقل در این قانون بیش بینی شود که اشخاصی که برای اطفالشان میخواهند اسعار خارجی تهیه کنند تکلیفشان معلوم باشد نه این که به بانک ملی که مراجعه میکنند بگویند ما اسعار نداریم و اسعاری که داریم مال اشخاصی است که باید برطبق این قانون بخود آنها واگذار شود و جنس وارد کنند مگر اینکه مطابق این قانون یک پیش بینی بشود والا این محصلین باید در خارجه در زحمت باشند و اگر ترتیب اینطور باشد که یک صادر کننده جنسی وقتی محاسبه اش را تصفیه کرد اگر یک اسعاری اضافه داشت به آنها داده شود این وضعیت بعقیده بنده خیلی غیر قابل دوام است و چند نفر دیگر از آقایان هم که اطفالی در خارجه دارند در این زمینه نظر دارند بنده خواستم این را اینجا عرض کنم که در این موقع که این قانون مطرح است یک تصمیمی در اینخصوص گرفته شود و یک فکری برای اینکار کرده شود.

**رئیس کل تجارت** - عرض میشود الساعة که من اینجا خدمت آقایان ایستاده ام عرض میکنم که دولت هیچ فکری برای این کار نکرده است و نمیتواند که هیچ فکری بکند برای این که اسعار متفرقه خودش باید صرف کارهای متفرقه بشود و در بازار بفروشد برسد اشخاص خارجی هستند که اسعار را می فروشند

و اشخاصی هم میخرند آلآن این طور است اشخاصی هستند آزادند اسعار را بخرند و بفروشند بقیمت ارزانتر و گرانتر و آلآن توجه دولت در این لایحه به تعدیل اسعار صادراتی و وارداتی و خلاصه اسعار تجارتی است و اسعار صنعتی یعنی اسعاری که مورد احتیاج صنعتی است چه صنایعی که بدست خود دولت انجام میگیرد و چه صنایعی که بدست مردم انجام میگیرد اسعار اجناس انحصاری و سایر اسعاری که بدست دولت می آید یک قسمت آن برای کارهای صنعتی تخصیص داده میشود ولی اسعاری که برای محصلین و مرضی و سایر قسمت ها است باین آسانی نمیشود تأمین کرد مگر اینکه بگذرد از عمر این قانون بگذرد و آنوقت یک اسعار بیشتری با اختیار دولت در بیاید آنوقت این ماده با اصطلاح درازی که هست راجع به اینکه هر وقت دولت مصلحت دانست کنترل و تقطیع اسعار را کاملاً برقرار کند و نسبت به تمام اسعار بموجب این قانون نظارت در تمام اسعار تجارتی بگیرد حاصل کند چنانچه در نظر داشتند در تمام اسعار مراقبت شود آنوقت برای اسعار محصلین هم فکری خواهند کرد و بنده امیدوارم که با این لایحه در آتیه خیلی نزدیکی دولت بتواند اطمینان بدهد که آقایانی که محصل در خارجه دارند با یک وضع ثابت و مطمئنی اسعار بدستان بیاید ولی فعلاً خیلی مشکل است زیرا با این لایحه در ظرف یکی دو ماه یک کریزی Crise در اسعار پیدا شود و نتایج و اثراتش را متوجه شوند و تا اثرات و نتایج خارجی این قانون پیش آن کسانی که طرف معامله با این مملکت هستند پیدا بکنند و اثراتش را بکنند یکی دو ماه طول بکشد بعد وضعیت عادی پیدا خواهد کرد و اسعار هم بیشتر تمرکز پیدا خواهد کرد و اقتدار اسعاری دولت بیشتر خواهد شد و چون مبلغی که برای محصلین لازم است ممکن است که یک فکری کرد ولی حالا هر چه بنده غیر از این عرض کنم برخلاف واقع است زیرا که فعلاً دولت متوجه با اسعار تجارتی است

**رئیس** - آقای وثوق

**آقای صدر قضی و وثوق** - بنده با این لایحه موافقم فقط

یک تذکری خواستم عرض کنم چون تجارت واردات و صادرات و آنچه که بموجب این لایحه است منحصر میشود به دولت سابقاً در اثر شکایت بعضی از آقایان تجار خصوصاً کارخانه غفاری در قزوین که بوسیله بنده بود به مجلس مقدس شکایتی کردند و تقاضا کردند که از بعضی اجناس و دهنیاتی که صادر میشود عوارض کمتر اخذ شود زیرا که عوارض بقدری سنگین است که از برای صدور آن اجناس صرف نمیکند و این قضیه در هیئت دولت مورد توجه شد و قرار بود که یک لایحه برای تخفیف بعضی عوارض اجناس صادراتی به مجلس بیاید چون ماده اول این قانون است و این جا میشود این تذکر را داد بنده از موقع استفاده کردم و خواستم تذکر بدهم که این لایحه را اگر دولت تهیه کرده است زودتر به مجلس بیاورند که از بعضی اجناس صادراتی زیاد عوارض گرفته نشود و سبب این شود که بتوانند تجار آن اجناس را صادر کنند زیرا مقصود و منظور در واقع تشویق از صنایع داخلی و محصولات داخلی است و اگر عوارض سنگین باشد آلتوری که شکایت میکنند صادرات مملکت یک سخته و سده بزرگی وارد می شود خواستم تذکر بدهم که اگر حقیقه این نظر را دارند زودتر عملی شود که هم رفع شکایت آنها بشود و هم کمکی به صادرات مملکت شده باشد و البته هر چه این لایحه را زودتر به مجلس بیاورند بهتر است.

**رئیس کل تجارت** - عرض میشود که لایحه تعدیل و اصلاح عوارض برخی از مال التجاره های صدور در تحت نظر و مطالعه دولت است و امیدواریم بعد از آنکه دولت مطالعاتش تکمیل شد لایحه اش به مجلس شورای ملی تقدیم شود و تصدیق میفرمائید که ارقام صدور شاید از دوستان دوستان و پنجاه قلم بیشتر است و هر کدام از آنها از نقطه نظر گرایه و بنادر صدور و قیمت های داخلی یک حسابهایی میخواهد که عوارض بوضع مناسبی کم بشود و اگر مطالعه زیاد نشود باز در آتیه نزدیکی محتاج به تعدیل خواهد بود و بنا بر این اگر قدری بیشتر مطالعه و دقت بشود بهتر است که لایحه اش بایک وضع

صحیحی بیاید به مجلس.

**رئیس** - آقای دکتر ملک زاده

**دکتر ملک زاده** - بنده وقتی که مذاکره در کلیات بود اجازه خواستم نوبت به بنده نرسید و یک اشکالی در این قانون بنده حس میکنم که میخواستم سؤال کنم اشکالی که بنظر رسیده این است که اگر با همه این مراتبی که اینجا از طرف دولت اظهار شد تصدیق بکنیم (که همینطور هم حقیقتاً تصدیق میشود) که قانون انحصار تجارت لازم قطعی بوده است برای این مملکت و عملیات و نتایج خوبی هم برای مملکت در گذشته داده است باز تصدیق میکنم که قانون گذشته نتوانسته است مقصود را که تعدیل واردات و صادرات باشد تأمین بکند و بنا بر این دولت مجبور شده است که یک قانون جدیدی بیاورد از برای اینکه آن مقصود تأمین بشود و حاصل بشود و بنده هم این قانون را اتفاقاً بطور دقت هم خواندم بسیاری از نکات و دقائق بقدر فهم خودم استنباط کردم که برای آن مقصود و منظور عمومی تاهین کننده است ولی اشکالی را که می بینم این است که بعضی این که این قانون بگذرد اجناس واردی ماصدی پنجاه ترقی خواهد کرد بواسطه اشکالاتی که برای واردات در کار خواهد بود و حاضر هم هستم شرط بیندم (اورنگ - شرط لازم نیست صحیح است چادر میشود شصت تومان) در این موضوع و برای اشکالاتی که در کار خواهد بود صادرات وقتی که تصدیق صدور پس از فروش اسعار باشد تنزل خواهد کرد راجع باین قسمت بنده اینطور فهمیدم خواستم آقای رئیس تجارت و دولت توضیح بدهند که برای رفع این محذور چه در نظر گرفته اند در صورتیکه آن نتایج مهمی که البته در نظر گرفته شده است و امیدواریم موفق هم بشوند ولی هنوز قطعی بنظر نمیآید در صورتیکه این ضرر قطعی در جاو هست عقیده بنده این بود.

**رئیس کل تجارت** - بطوری که آقای دکتر فرمودند در اثر این قانون که اجناس ورودی صدی پنجاه ترقی خواهد کرد بنده خیال نمیکنم (دکتر ملک زاده -



صدی پنجاه نباشد صدی بیست باشد) عرض میشود که بنده خیلی متاسفم که بالاخره بین اجناس ممنوعه و مجاز باید فرق قائل شد چنانکه وقتی شما فرمودید که اجناس گران میشود آقای اورنگ این جا فرمودند که چادر میشود شصت تومان آقا چادر باید بشود صد تومان، باید بشود دویست تومان برای این که اصلاً اجازه داده نمیشود و قطعی است که این عمل به منفعت صنعت مملکت است هر چه ترقی کنند این قبیل اجناس به نفع ما است صنعت داخلی تا منفعت زیاد نکند ترقی نمیکند صنعتگر مملکت تا منفعت نکند دنبال کار نمیرود بالاخره این سیاست سالها باید امتداد پیدا کند که مملکت از خارجه مستغنی بشود نظر این است ممکن است که این نظر پیش بگردد مقبول نباشد این عجلتاً پیش دولت اینطور منحص است که تشویق صنعت باید از این راه بشود و الا هیچکس نمی آید بجای این که برود مغازه در لاله زار باز کند حالا اجناس لوکس نمیشود شبیه به لوکس را بیاورد و گران بشود عوض این کار برود پول جمع کنند و با این ترتیب اسعار خارجی تهیه بکنند برود اروپا ماشین بیاورد و آن ماشین را در این جا بکار ببندازد و نتواند استفاده کند البته هیچکس سرمایه اش را با این ترتیب به مخاطره نمی اندازد مگر این که اطمینان داشته باشد که منافع سرشاری دارد. در قسمت گرانی اجناس ورودی مجاز اگر مقصود اجناسی است که مورد احتیاج بوده است که روز بروز دارد تنزل میکند چیست که رقم درشت واردات ما است (این جا آقایان تجار هستند) و در سال دوازده میلیون دارد در این روزبه تنزل است این طور نیست آقا (وهاب زاده - بلی) چهلوار هم که محل احتیاج است رو به تنزل است ولی متقال ممنوع الورود است و باید هم گران بشود برای این که متقال بافی کاشان پیشرفت کرده برای اینکه در شوشتر متقال بافی شروع کرده اند و پیشرفت کرده برای اینکه محصول کارخانه شاهی خوب فروش برود برای اینکه توسعه پیدا کند و صرف کند برای اینکه کرباس داریم و مادامی که يك احتیاجاتی در

مملکت است و باید اجناس مشابهی ممکن است رفع آن احتیاج را کرد و يك اجناس دیگری عوض آن جنس واقع شود چنانکه کرباس عوض متقال واقع شده است نمیشود اجازه داد که متقال وارد بشود. سابق سبزه مراغه را و قتیکه میخواستند به بندند توی قوطی لفاش را متقال میکردند حالا کرباس میبرند از کاشان در مراغه و رضائیه بجای آن متقال کار میکنند. خلاصه اینکه آقایان از گرانی اجناس آنقدر نگران نباشند درست است که این عقیده بخرج نمیرود ولی دولت عقیده اش این است که آقایان که شرکت دارند در قانون انحصار و تصویب و حمایت از صنایع داخلی نباید از گرانی بعضی اجناس در يك مدتهای محدودی نگران باشند مخصوصاً نسبت بیک قسمت از اجناس منوعه که صلاح نیست و مادامی که گران نشود و قوه خرید از مردم سلب نشود هوس را نمیشود جلو گیری کرد و باید کار برسد بجایی که مردم توانائی خریدن نداشته باشند شما صادراتتان محدود است اگر وسائل نقلیه میخواهید اگر میخواهید سالی سه میلیون و خرده بنزین آتش بزنید اگر میخواهید سالی هفت میلیون پول لاستیک و اومبیل بدهید که هیچ سابقه نداشته است چندین سال قبل در این مملکت این واردات عوض میخواهد و باید از هوس جلو گیری کرد تا بشود پول داد برای لاستیک تا بشود پول داد برای بنزین و رزین تا بشود وسائل نقلیه را مرتب کرد این حساب تجارت است و رقم و واردات و صادرات اگر شما بخواهید بگوئید که خیر فلان مجسمه را فلان آدم بیاورد و روی بخاریش بگذارد و من هم میخواهم بنزین آتش بزنم این نمیشود سه میلیون تنها پول بنزین پارسال بوده است باید محل این را معلوم کرد و با غیر این ترتیب نمیشود. بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکرات. رئیس - آقایانیکه با ماده اول موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی و

یا صنعتی خارجه بایران باستثنای مواردیکه در این قانون پیش بینی شده است مشروط بشرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی ایران و مراعات مقررات این قانون است.

تناسب بین واردات و صادرات مزبور بر طبق مقررات این قانون معین میگردد بعلاوه به دولت اجازه داده میشود در مواردیکه مصالح اقتصادی مملکت اقتضا نماید اجازه ورود باره محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجه را مشروط بشرط صدور محصولات طبیعی و یا صنعتی معین ایرانی بنماید.

تبصره - اجناسیکه بعنوان ترانزیت وارد خاک ایران میشود جزو واردات مملکت محسوب نشده مشروط صادر کردن محصولات و یا مصنوعات ایران نمیشود و ورود آنها محتاج بداشتن جواز ورود نخواهد بود ولی در صورتیکه اجناسی که بطور ترانزیت وارد میشود از حدود مقررات ترانزیتی خارج و در داخله ایران بمصرف برسد وارد کنندگان ملزم با اجرای مقررات قانون انحصار تجارت خارجی خواهند بود بعلاوه از اینگونه اجناس عوارض ورودی در مقابل ماخوذ خواهد گردید و اگر اجناس غیر مجاز باشد بلاعوض از طرف دولت ضبط خواهد شد رئیس - اشکالی نیست (نمایندگان - خیر) آقایانیکه با ماده دوم موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود:

ماده سوم:

الف - دولت مجاز است حق وارد کردن محصولات خارجی را که خود نمیشود مستقیماً عهده دار شود بشرائط معینه و در تحت مقررات مخصوص باشخاص و یا مؤسسات مختلفه تجارتهی واگذار نماید

ب - برای تأمین این مقصود دولت مکلف است که همه ساله در اول تیر ماه که اول سال اقتصادی است صورتی از محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجی را که خود متصدی

ورود آنها نخواهد بود و اجازه وارد نمودن آنها را در ظرف آن سال اقتصادی باشخاص و یا مؤسساتی خواهد داد اعلان نماید

ج - در صورت مزبور که سهمیه نامیده میشود میزان هر يك از محصولات مزبوره و گمرکخانهایک که از آنجا آن محصولات را میتوان وارد نمود و سهم هر يك از گمرکخانههای مزبور معین خواهد گردید

تبصره - بر طبق تصویبنامه هیئت وزراء در سهم هر يك از گمرک خانه ها تغییر و تبدیل لازم میتوان داد

د - گذاردن اجناسی که در داخله ایران تهیه میشود و از حیث مقدار و مرغوبیت کافی احتیاجات مملکتی است در سهمیه و بالتجیجه دادن اجازه ورود اجناس مزبوره برای تجارت ممنوع است

ه - نسبت باجناسی که در داخله ایران تهیه میشود ولی از حیث مقدار کافی احتیاجات عمومی نمیشود فقط بقدر تکمیل احتیاجات عمومی در سهمیه گذارده خواهد شد.

و - همچنین در صورتیکه ورود باره اجناس خارجی مستلزم صدور اجناس معین ایران باشد آن اجناس و اجناس متقابل آنها و شرایط مربوطه بصدر و ورود در سهمیه ذکر خواهد شد.

ز - دولت میتواند در ظرف سال اقتصادی میزان و مبلغ اجناس مذکور در سهمیه را اضافه نموده و یا اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید لکن حق کسر کردن اجناس اعلان شده در سهمیه را در ظرف آن سال اقتصادی نخواهد داشت.

ح - در صورتیکه دولت میزان و یا مبلغ اجناس مذکوره در سهمیه را اضافه نماید و یا اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید آن اضافات نیز باید برای اطلاع عامه اعلان شود.

رئیس - اشکالی نیست؟ (گفته شد - خیر) آقایانیکه با ماده سوم موافقت دارند قیام فرمایند.



(عده زیادی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود. ماده چهارم - دولت میتواند در موارد ذیل وارد کردن اجناس خارجی را که تحصیل آن در محل مصرف در داخله ایران اشکال داشته باشد از الزام صادر کردن محصولات ایران بر طبق اجازه مخصوص معاف دارد.

۱ - اجناسیکه دولت برای احتیاجات خود مستقیماً وارد مینماید در حدود عواید اسعاری دولت و صدی پنجاه اسعار حاصله از صدور اجناس انحصاری در صورتیکه اجناس مزبور از تعهد فروش اسعار معاف نشده باشد. ۲ - اشیائیکه برای فروش نبوده و منحصر برای احتیاجات و مصارف شخصی وارد شود بشرط اینکه اگر اجناس مزبوره برای اشخاص و مؤسسات خارجی وارد شود پول خرید آن در داخله ایران تحصیل نشده باشد و اگر برای اشخاص و یا مؤسسات داخلی وارد شود آن اشخاص و مؤسسات دارای حق معافیت گمرکی باشند و اثبات بنمایند که پول خرید آن در داخله ایران تهیه نشده است.

۳ - ماشین آلات و قطعات و مایحتاج آنها که برای رفع حوائج مهمه مملکت از محصولات و مصنوعات خارجی و یا بهودی صادرات وارد میشود در حدود اعتبارات اسعاری که از طرف دولت برای اینگونه موارد معین میگردد و بادر صورتیکه برای ورود آنها احتیاجی به تهیه اسعار خارجی در بازار ایران نباشد.

**تبصره** - اشیائیکه ورود آنها مطابق این قانون از داشتن جواز ورود معاف میباشد از الزام صدور نیز معاف خواهد بود.

**رئیس** - در ماده چهارم هم نظری نیست. آقایانیکه موافقت دارند قیام بفرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود: ماده پنجم - بغیر از مواردیکه دولت خود متصدی صدور محصولات ایران شده و با حق انحصاری صدور خود

از سر حد ایران خارج گردیده است ادارات گمرک مکلف میباشند که برای هر يك از اجناس صادره تصدیق جدا گانه بصادر کنندگان و یا نمایندگان آنها بانعین مقدار و مبلغ و نوع و سایر مشخصات صادرات و اسم صادر کننده و یا نماینده او و تاریخ و مقصد صدور و گمرک خانه که از آن جنس صادر شده است بدهند. نسبت باجناس انحصاری بمیزان صدی پنجاه و پنج تقویمی که بعمل آمده است تصدیق صدور داده خواهد شد - اطلاعات مذکوره در دفاتر مخصوص نیز ثبت خواهد شد.

**تبصره** - در صورتیکه صادر کننده تقاضا کند که در عوض يك ورقه تصدیق صدور اوراق متمم تصدیق صدور که مبلغاً تفاوتی با تصدیق صدور يك ورقه نداشته باشد باو داده شود باید تقاضای او مورد قبول واقع شود ولی صادر کننده نیز در عوض يك ورقه تعهد اسعاری باید بدهد و مبالغ تصدیق صدور اسعاری بدهد.

ج) تصدیقهای صدور مذکوره در فوق قابل انتقال بوده و مدت اعتبار آن از تاریخ ایفای تعهد اسعاری که در موقع صدور محصولات ایران باید بعمل آید تا ششماه خواهد بود. **تبصره** - تصدیقهای صدور که تا تاریخ اجرای این قانون بصادر کنندگان داده شده و هنوز مدت اعتبار آن منقضی نگردیده و برای اخذ جواز ورود بداره کل تجارت تسلیم نشده باشد در حکم تصدیقهای صدور که بعد از اجرای این قانون صادر میشود خواهد بود ولی اینگونه تصدیقهای صدور قبل از انجام تعهد اسعاری برای رفع تعهدات صدور که در سه ماه اول ۱۳۱۰ بعمل آمده است معتبر خواهد بود. د) برای صدور اجناس ذیل تصدیق صدور داده نشده و تعهد فروش اجناس خارجی نیز اخذ نخواهد شد.

۱ - اسباب سفر و اشیاء شخصی مسافران  
۲ - اجناسیکه بعموان هدیه و سوغات و یا نمونه بخرجه ارسال میشود بشرط آنکه قیمت آنها از هزار ریال تجاوز نکند.  
۳ - اجناسیکه بطور کاپوتاز از يك سرحد ایران صادر و از سرحد دیگر وارد میشود.

ه - برای صدور اجناس ذیل تصدیق صدور داده نشده ولی معافیت از تعهد اسعاری منوط با اجازه مخصوص دولت خواهد بود.

۱ - مواد نفتی ۲ - محصولات شیلات ۳ - نمبر پست و جواهرات باسئمنای فیروزه ۴ - اشیاء عتیقه. و) در صورتیکه جنس صادره که برای آن تصدیق صدور داده شده است به مملکت عودت شود باید از طرف صادر کننده تصدیق صدور که برای آن جنس داده شده و یا تصدیق صدور دیگری بمیزان معین در تصدیق صدور آن جنس مسترد شود اینگونه تصدیقهای صدور تعهدات اسعاری مربوط بآن باید باطل شود.

ز) سایر مقررات مربوطه بمال التجاره صدور بموجب نظامنامه که بتصویب هیئت وزراء رسیده باشد معین میشود.

**رئیس** - آقای رهنما.

**رهنما** - در این ماده هم عرضی ندارم.

**رئیس** - آقای بوشهری

**آقای بوشهری** - بنده در کلیات اجازه خواسته بودم متأسفانه به بنده اجازه نرسید البته در خوبی قانون انحصار تجارت کسی حسرفی ندارد و محسنتاش واضح و روشن است منتهی عتیده رفقای بنده در طرز اجرای قانون است مثلاً پیشنهاد شد که يك سهمیه معین کنند و بگمرکات دستور بدهند که هر کسی که يك جنسی صادر کرد در حدود این سهمیه اجازه داشته باشد وارد کند آقای یاسائی فرمودند ممکن است این جنس را بقدری زیاد بیاورند که جای سایر اجناس را بگیرد و بزودی نسبت بسایر اجناس اسباب مضیقه مردم شود بنده تصور نمیکنم که در عالم تجارت هیچ تاجری يك چنین خطی بکند سابق که ابداً و بهیچوجه هیچ تحدیدی در تجارت نبود هیچ جنسی باندازه مصرف بازار زیادتر وارد نمیشد حالا به بعضی نظریات دولت اینرا صلاح میدانند همین قانون را که آورده اند يك طوری بکنند که دیگر اشکالی پیدا نشود که در آتیه بازم بیائیم يك قانونی بیاوریم که این قانون را لغو کنیم در این ماده در قسمت (ج)



راجع به تصدیق صدورهای گذشته آن تصدیقهای صدوریه که بداره تجارت هنوز تسلیم نشده در حکم تصدیق صدور هائیه است که از تاریخ اجرای این قانون صادر میشود اینجا يك اشکالی برای اشخاصیکه تصدیق صدور هائی خریدند اند فراهم میشود چون تقریباً بامید اینکه میخواهد يك معامله بکند ربع سرمایه معین را بمصرف خرید تصدیق صدور رسانده است حالا اینکار را کرده اند و يك مقداری تصدیق صدور خریدند چرا خریدند؟ برای اینکه بموجب قانون انحصار تجارت اجازه داده شده بود که این تصدیق صدور را ضمیمه درخواست کنند و جواز ورود جنس را بگیرند حالا شما آنها را محروم فرمودید در صورتیکه بموجب قانون اجازه انتقال هم داشته تاجر کرمناشاهی تصدیق صدور دزدایی را خریدند است و پولش را هم داده است بامید اینکه با این تصدیق صدور يك جنسی وارد کنند شما میگوئید حالا تا آن تاجر دزدایی تعهد اسعاری خودش را انجام ندهد تو نمیتوانی از این تصدیق صدور استفاده کنی پس يك تکلیفی برای این آدم معین کنی که این تصدیق صدور را خریدند است این یکی دوم اینکه بدارندگان این تصدیق صدورها را کسانی که تقاضای ورود کرده اند این طور اشخاص حق خرید اسعار ندارند مرد که بول تصدیق صدور را داده است تقاضای ورود هم داده است جواز هم گرفته ممکن است جنسش را هم سفارش داده باشد ولی اسعار نتواند بخرد این راهم تکلیفش را باید معلوم کنید سوم تجاری هستند که مالی را میبرند و در برابر خواهش میکنند که فلان قریب اروپائی بآنها در عوض جنس بدهد فلان قاریک اروپائی هم حاضر است که اگر شما برای او کتشم یا بشم یا چیز دیگر بفرستید او هم در مقابل پارچه پشمی یا کفش یا چیز دیگر بفرستد اصلاً این جنس بمصرف فروش نمیرود که شما اسعاری داشته باشید که بعد از فروش آن اسعار تصدیق صدورش قبل استفاده باشد تکلیف این راهم معین کنید این سه موضوع را خواهش میکنم آقای

که باید اندازه داشته باشد و هزاران نظر رعایت شود حمایت مصنوعات داخلی و کمرکسهای مختلف يك موضوع دیگر هم فرمودید راجع به تصدیق صدور هائی که فعلاً در دست مردم است يك مطلب دیگر هم فرمودید؟ (بوشهری - جواز هائی که گرفته اند و اسعار میخواهند) آن که در يك جائی پیش بینی شده است که اسعار فروخته میشود توجه نفرمودید مذاکره و اصلاح شد و بيك عباذتی در یکی از موادش هست که تأمین میکند جواز هائی که در دست تاجر است به بانک میبرند و مطابق مقررات فعلی اسعار آنها فروخته میشود اما قسمت تصدیق صدور هائی که در دست مردم مانده است و هنوز بداره تجارت نداده اند اینجا پیش بینی شده است که اینها بمصرف تعهدات صدوری قبلی که در سه ماه اول ۱۳۱۰ تعهداتی شده است وارد کرده اند میرسد و بعلاوه تصدیق صدور های زیادی هم در دست مردم نیست زیرا که تصدیق صدور هر چه بوده است تا اول تیرماه که موقع قبول در خواست بوده است آورده اند و داده اند حالا کمیتران بآن ها رسیده است یا نرسیده آن مطلب دیگری است اشکال ندارد برای اینکه در اینجا قید شده برای آنها فکر فوق العاده میکنند آن قسمتهای دیگر یعنی آن مقداری که در دست مردم مانده است یعنی در حدود صادرات ده پانزده روز مملکت میشود تقریباً و تا وقتی که مدتش سر نیامده است باطل نمیشود همیشه متزلزل خواهد بود تا اسعارش را بفروشد و معتبر خواهد بود اگر تصدیق صدوری که مدتش سه ماه است وفردا باطل میشود چون در خواست دادن از بین می رود این تا هر موقعی که مطابق این قانون اسعارش را بفروشد اعتبار دارد تا ششماه دیگر و این فایده بیشتر از آن نگرانی ضرر احتمالی شما است و بعلاوه يك جور تعهدات صدوری دارند قریب دو میلیون که بنده باید شکایت بکنم. بیار که و مدعی العموم و عدلیه از دست تاجر که تعهدات خودشان را انجام نداده اند ما اجازه داده ایم که این تصدیق صدور ها را بیاورند و

رئیس - آقای افسر.

افسر - در این جمله که راجع به تقویم بود که نوشته بودند (بهتر این است که آقای رئیس تجارت عرایض بنده را گوش بدهند که محتاج بتکرار نشود) عرض کنم راجع به تقویم که نوشته شده است در کمرکات البته خاطر تان مسبوق است که يك جنسهائی است که باصطلاح روشن است و در هر کمرکی میتواند قیمت کنند ولی يك جنسهائی است که در خود طهران هم متخصص لازم دارد که قیمت شود در کمرک بلان یا کمرک کاربز یا کمرکات دیگر که صدو پنجاه فرسخ اطراف مملکت ما کمرکات مختلف دارد چه راهی برای اینکار فکر کرده اند آن کمرکات که متخصص ندارند که قیمت واقعی را معین کنند اگر اختلاف نظر پیدا کردند چه ترتیب حل شود مثلاً مقوم يك جنس زیر خاک یا جنسی که تازه پیدا شده است و يك جنسهائی متفرقه که جنس بازار و روشن نیست اگر اختلاف شد بین صاحب مال و مقوم چه جور رفع اشکال را میکنند این را بفرمایند که روشن باشد و اسباب اشکال نشود.

رئیس کل تجارت - عرض میشود راجع بتقویم مال التجاره چه صادرات و چه واردات این اشکال هست و بوده ولی با این لایحه و این قانون این اشکال تا حدی مرتفع میشود برای اینکه مناط فروش اسعار است هر قیمتی که تاجر میخواهد بگوید ما علاقه نداریم که قیمت حقیقی و واقعی جنس را معین کنیم برای اینکه بهتر قیمتی که اظهار میکند بهمان اندازه هم اسعارش را باید بفروشد و ما هم هر قدر اسعار گزینیم اجازه میدهم که واردات بهمان اندازه باشد و اگر چنانچه کمتر قیمت کرد که ما طرفدار





آن هستیم یعنی طرفدار تقلیل قیمت صادرات هستیم و تزئید قیمت واردات این يك اصلي است و اختلافات هم بآن ترتیبی که نظامنامه معین میکنند رفع میشود در بحث است يك بحث از نقطه نظر عوارض و حقوق گمرکی است که قبلا هم بموجب نظامنامه معین شده است و همینطور بوده است و يك ترتیبانی بوده است که باز خرید میکنند يك تقویمی از نقطه نظر قانون انحصار تجارت معمول شده است و از آن جهت است و نظر حضرت والا هم روی آن قسمت است فرستادن خبره در گمرکهای کوچک مثلاً گمرک بلان یا کاریز یا فلان دفتر کوچک این البته کار آسانی نیست ولی خود این رویه تصحیح میکنند ترتیب را برای این که خود تاجر منفعتمش در این نیست که بدهد قیمت را بالا بگوید برای این که باید اسعارش را بفروشد گمرک هم وقتی که اینطور است اشکالی نخواهد کرد و بنظر بنده نگرانی نخواهد داشت.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.  
رئیس - آقایانیکه با ماده ششم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

**رئیس -** تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:  
ماده هفتم - الف - کلیه صادر کنندگان باستثناء مواردیکه مطابق مقررات قانونی معین شده باشد در موقع صدور اجناس که در مقابل آن تصدیق صدور اخذ میشود مکلف میباشد تمهید نامه بدهند که بمیزان قیمت جنس صدوری خود و به نرخ تاریخ تصدیق صدور اسعار خارجی که در بازار آزاد خارجی داد و ستد میشود بدولت بفروشند ب - اینگونه تمهیدات در نسخی که عده آن از طرف دولت معین میشود بوسیله گمرکخانه که از آنجا جنس صادر میشود قبل از دادن تصدیق صدور از خود صادر کنندنده و یا نماینده او اخذ خواهد شد و اداره گمرک مکلف است بلا تأخیر نسخ مأخوذه مزبور را بمؤسستنی که از طرف دولت معین میشود ارسال دارد

اسعار بر طبق جواز های ورودی که تصدیق صدور مربوطه به آنها حاکی از انجام تمهید اسعاری ناشیه از صادرات نباشد از محل اسعار حاصله از تمهیدات اسعاری که مطابق این قانون حاصل میشود ممنوع است.

صدی پنج اسعار حاصله از صادرات عمومی برای احتیاجات صنعتی مملکت تخصیص داده میشود مازاد اسعار حاصله از صادرات در آخر هر سال اقتصادی با اختیار دولت گذارده میشود. اسعار مزبور و مازاد صدی پنجاه اسعار اجناس انحصاری در مرحله اول برای احتیاجات توسعه صنایع مملکتی که از طرف دولت و یا مردم بعمل میآید تخصیص داده میشود و اگر مازادی از اسعار مزبور باقی ماند بمصرف تشکیل ذخیره تثبیت نرخ اسعار خواهد رسید تبصره - اسعاری که برای جواز های ورود صادره در ظرف آن سنه اقتصادی لازم باشد از محل اسعاری که با اختیار دولت گذارده میشود باید تادیه شود.

ز - فروش اسعار حاصله از صادرات بغير دولت و یا بانکهایی که عامل دولت باشد ممنوع بوده و مرتکبین مورد مجازات معینه در این قانون خواهند شد.

ح - قیمت اسعاری که از بابت صادرات بدولت فروخته میشود باید از طرف دولت و یا بانکهای عامل در آن تقدأ بصاحبان آنها تأدیه شود.

ط - تمهید اسعاری با وارد نمودن اجناس خارجی مرفوع میگردد.

ی - در صورتیکه کسی پیش از تمهید اسعاری خود اسعار از بابت صادرات خود بدولت بفروشد بمیزان اضافه اسعاری که فروخته است حق اخذ تصدیق صدور خواهد داشت. اینگونه تصدیق های صدور را در مقابل تصدیق فروش اضافه اسعار اداره کل تجارت صادر خواهد نمود و در آن تصدیق صدور فروخته شدن اسعار اضافی و مدرک آن فروش را ذکر خواهد نمود.

ک - برای خرید و فروش اسعار حاصله از صادرات از طرف دولت نرخ رسمی برقرار خواهد گردید در همانحال بدولت اجازه داده میشود که خرید و فروش و سایر معاملات کلیه اسعار را در مملکت در مواقع مقتضی تحت تفتیش و نظارت خود قرار داده و برای آن نرخ رسمی معین نماید

نرخ رسمی و سایر شروط خرید و فروش اسعار خارجی و الزامات و تعهدات بانکهای عامل دولت از حیث عدم استنفکاف از فروش اسعاری که ابواب جمع آنها است و نكاهداتن حسابهای مخصوص برای اسعار حاصله از صادرات و فروش اسعار مزبور از بابت واردات و احتیاجات صنعتی و دولتی و اطلاع دادن میزان و نرخ خرید و فروش اسعار مزبور و دادن صورت اشخاصیکه تمهیدات اسعاری خود را چه از بابت صادرات و چه از بابت استرداد اسعاری که برای واردات خرید شده باشند انجام نداده باشند و سایر وظایف مربوطه از طرف دولت معین خواهد شد

ل - اسعار خارجی که از صادر نمودن محصولات ایران تحصیل نشده باشد و مخصوصاً اسعاری که در بازار ایران تحصیل شده باشد اعم از اینکه بشکل چك یا برات صادره از بانک هائی که در داخله ایران کار میکنند و یا بشکل چك و برات صادره و یا ظهر نویسی شده از طرف کلیه افراد مقیم ایران باشد بمنوان اسعار حاصله از صادرات قبول نخواهد شد و فروش اینگونه اسعار تمهید اسعاری کسی را از بابت صادرات زائل نخواهد نمود

**رئیس -** آقای بوشهری

**بوشهری -** در این ماده تکلیف صادر کنندگانی که اجناس خودشان را از قیمت تقویمی که در گمرک شده گرانتر فروخته اند معین کرده یعنی اگر جنس شما صد پوند قیمت شده بود و بریدید صد و بیست پوند فروختید آن بیست پوند را اگر بدولت بفروشید اجازه ورود بیست پوند دیگر مال میدهند لیکن راجع باشخصی که اجناسی دارند که کمتر فروش میبرد تکلیفش معین نشده است و تصور میکنم این قسمت بیشتر اتفاق می افتد این صد پوندی که قیمت شده ممکن است به مقدار پنج پوند بفروش برسد ولی تاجر صد پوند تمهید اسعاری کرده آنوقت تکلیف چیست ندارد بدولت بدهد. بنده عقیده ام این است که در بند (ه) زیاد شود آنچهائی که میشود: در صورتیکه با استناد مثبتة قابل قبول ثابت نماید که اجناس صادره بفروش لرفته یا تمهید میدهد همانجا میشود پسند که اگر ثابت کرد کمتر



از قیمت تقویمی جنس او فروش رفته باشد تخفیفی از تمهیدات اسعارش باو داده شود. یکی راجع بموضوع تعیین نرخ فروش و خرید اسعار است. بنده اینجا خواستم تذکر بدهم که حتی المقدور باید پایه را قیمت نقره نسبت به طلا قرار داد و آن تجربیات تلخی که از گذشته داریم دیگر تکرار نکنیم برای اینکه اگر شما قیمت بوند و دولارا از قیمت حقیقی بازار خودش کمتر تعیین کند حتما تولید قاچاق خواهد کرد و بعقیده بنده بهترین است که موجبات قاچاق را سریع نکنیم با اینکه قاچاقچی را تعقیب کنیم.

**رئیس کل تجارت** - عرض میشود قسمت اول فرمایشاتشان راجع باین بود اشخاصیکه اسعار بیش از تقویم جنسشان بدوات بفروشدنند جواز داده میشود کمتر فروختند معافیتش بآنها داده شود سانکسیون و مجازاتی هم ندارد. اولاً مجازات دارد برای اینکه در قسمت اخیر ماده یازده ماده هست که در آنجا قید شده: کسانیکه تمهیدات اسعاری خودشانرا انجام ندهند مجازاتشان چنین و چنان است. جریمه میشوند. دیگر مقدارش را معین نکرده است چقدر. اگر کسی هزار بوند تمهید اسعاری دارد یا نصف تا را داد و یا نصف تا را نداد البته نسبت بان یا نصف بوند تمهید که انجام نداده است مجازات میشود اگر تمامش را انجام نداد نسبت به تمامش اگر ما میخواهیم به معاذیر تجار در این قسمت وارد شویم فرار سرمایه از مملکت است هر کسی انوقت ممکن است بگوید جنس من بفروش رفته. مثلاً هزار بوند قیمت میکنند میگوید بفروش رفته دو بوند را میگذارد اینجا و بعد سرمایه اش را از مملکت خارج کند تا بالاخره تمام سرمایه اش را انتقال میدهد بخارج. ثبوتش را بنده نمیدانم بچه ترتیب است فرض کنید اطاق تجارت لندن يك تصدیقی داده است یا در رم یا فلانجا اطاق تجارتش همچو تصدیق کرده یا عضو سفارتخانه چنین تصدیق نموده بالاخره همه اینها اشکال دارد پس بهتر این است که بگذاریم همینطور باشد. اگر آقای تاجر احتیاط کند بهتر است کمتر گیر میکند (صحیح است) در قسمت دوم که

فرمودند باید دولت از گذشته تجربه بگیرد و قیمت بوند را مطابق نرخ حقیقی بازار معین کند همینطور هم پیش بینی شده است در این جا قید شده که نرخ بازار آزاد خارجی. یعنی همانطوری که وضعیت نقره و طلا در بازار بین المللی است. این عبارت برای همین گذاشته شده یعنی نرخ مصنوعی نباشد باید دید نرخ آزاد در بازار چیست همان نرخ را دولت معین میکند و گمان نمیکنم این اشکالی داشته باشد.

**رئیس - آقای طهرانی.**  
**میرزا حسینخان طهرانی** - آقایان خسته شده اند. ظهر هم گذشته و گرم است. خلاصه عرض میکنم. جان و روح قانون هم همین است و غیر از این چیزی ندارد بنده دیشب در فراکسیون شمه عرض کردم ولی چون آقایان دقت میکردند در قانون و رفع اشکالات او همه آقایان هم تشریف داشتند که يك ساعت بعد از نصف شب شد و دیگر مجال نشد که بنده متمم عرایضم را عرض کنم حالا اگر اجازه بدهید که بنده اشکالاتی که در این ماده درست میشود من باب تذکر عرض کنم که دولت هم متوجه بشود خیلی خوب است عرض کنم چند فقره محظور داخلی داریم و چند فقره محظور خارجی. اما محظورات داخلی چنانچه دیشب بنده یکی دو فقره اش را عرض کردم یکی همان مسئله است که خود آقای رئیس کل تجارت هم معتقد شدند که بواسطه انجام تمهیدات اسعاری که ما صادر میکنیم را مکلف کنیم که تمهیدی را انجام بدهد و بعد از انجام حق وارد کردن جنس را داشته باشد این يك بحرانی البته نسبت بان اجناسی که ما احتیاج داریم و تهاجم تولید میکند. حالا قطع نظر از آنهایی که خیال میکنیم احتیاج نداریم اساساً يك بحرانی ایجاد میشود که نتیجه آن این است که قیمت اشیاء نه اینطور گران میشود که قابل تحمل باشد. بنده عقیده ام این است که خیلی گران میشود. در چندی قبل هم که قانون قاچاق را آورده بودند برای مجازات قاچاق عرض کردم بهترین ترتیب این است که اداره کل تجارت

با منحصر آ خودش یا به معیت عده از تجار اصل انحصار وارد و صادر مملکت را کلیتاً در دست بگیرد و تجاری که در داخله مملکت مشغول کسب و کارند عمال خودش قرار دهد. یعنی بعضی از آنها را عامل خرید صادرات قرار بدهد و بعضی ها را عمال خرید و واردات. تا اصلاً هیچ محتاج نشویم در این قوانین و این ترتیبات ما بحث کنیم. برای اینکه بالمآل هم همین خواهد شد. زیرا با این تمهید اسعاری که در این قانون قید شده است بنده گمان میکنم و ثابت میکنم يك تاجری که در ایران پنجاه هزار تومان سرمایه دارد قوه صادر کردن و وارد کردن را نخواهد داشت در سال. برای اینکه يك تاجری که پنجاه هزار تومان سرمایه داشته باشد اگر بخواهد صادر کند و تمهید صادراتی خود را انجام دهد و بعد جنس وارد کند اینجا و بفروشد. شاید در عرض سال این آدم موفق شود که يك فقره صادر کند و يك فقره وارد. تازه این يك فقره خارج و وارد هم کافی بخرج او نیست و ممکن نیست بتواند تمهید خودش را انجام دهد و ممکن است اشخاص سرمایه دار زیاد مثلاً کسی که يك ملیون سرمایه دارد با بیست نفر سی نفر که با هم شرکت و اقدام کنند بتوانند يك صادرات و وارداتی بکنند. یکی دیگر این مسئله را دیشب عرض کردم حالا هم عرض میکنم چون دولت اختیار دارد به بعضی از مؤسسات اجازه هائی بدهد. اینرا دولت در نظر بگیرد که حقیقتاً این اجازه را بدهد یعنی تمهید صدور را از آنها قبول کنند بدون اینکه آنها را مجبور کند که انجام بدهند. تا نه مردم فوراً بيك زحمتی ببینند و نه دولت. مسئله دیگر اینکه اینجا آقای دبا اظهار کردند و آقای یاسائی روزی عدلیه هم مکرر دیدم اظهاراتی فرمودند بنده میخواهم عرض کنم که بقول آذربایجانی ها دنیا دنیای آتش و آتش و بقول فارس ها دنیا دنیای معامله است و داد و ستد. شما تصور کنید خشکه بار یا کتیرای شما در خارج طلا میشود بدون اینکه آنهایی که شما از آنها این طلا را میگیرید در مقابل نظری داشته باشند بنده هم مثلاً باین پیراهن چهلوار احتیاج دارم و فلان زید

هم فلان چیز احتیاج دارد همینطور تا کرباس بقدر کفایت احتیاج ما در مملکت درست نشده ما به چیز های آنها احتیاج داریم و باید بیوشیم. ولی او بخشکه بار شما احتیاج ندارد. کشمش را هم نمیخرد. آن میوه را هم که شما تربیت میکنید نمیخرد. یا آن کتیرائی که از اینجا صادر میشود از جای دیگر هم میآید و از آنجا مصرف میکند. و قتیکه او معتقد شود که شما آن کتیرائی که در مملکتش میفروشید برای اینکه شما مجبور میکنید انجام بدهد تمهید اسعاری را بعد که تمهید اسعاری را انجام داد اجازه میدهید جنس وارد کند و قتیکه شما اینکار را نمودید در هر کجا که نمیخواهید این تجارت را بکنید آخر آن مملکت هم هوش دارد و در این عصر با این بحران اقتصادی متوجه و منتفت است او وقتی میگذارد شما مالتان را آنجا بفروشید که افلاً باندازه نصف آن تمهید صدور از مملکتش مال التجاره وارد کنید. اگر آن را جنسی نکنید شاید فردا در مقابل شما يك سدهای دیگری پیدا شود و به مشکلات بیفتید بنده تمام اینها را من باب تذکر عرض میکنم. اولاً این مسئله تمهید اسعاری شاید يك اشخاص زیادی را بیکار خواهد کرد یعنی تجار کوچک و کسانی را که معاملات کوچک دارند از بین میبرد و البته در مقابل يك منافع بزرگی که دولت در نظر دارد اینها قابل تحمل است و باید تحمل کنند چون دولت نظر به تعادل صادر و وارد دارد و هر کس منکر این مسئله شود البته خیلی آدم بی فهمی است. هیچکس نباید منکر این مسئله شود. ولی در عین حال این مسئله را هم باید ملاحظه کرد و اگر شما بجای تمام این قانون و بجای تمام این حرفها يك اداره کل صادر و وارد تهیه کنید منتهی به معیت تجار و خود مردم و اشخاصیکه طرف اعتمادتان هستند و از آنطرف هم يك تجار کوچک و يك اشخاص کوچکی که از این راه نان میخورند یا کسب میکنند آن ها را عامل خودتان قرار دهید که تحت نظر اداره تجارت کار کنند بهتر است تا این همه محظورات تولید شود. والا ممکن است تولید خیلی زحمت بکنید و عده زیادی هم ممکن است از بین بروند. قسمت دیگری که فرمودند



راجع بقاچاق که این قاچاق از قانون جلوگیری میکند بنده عقیده ام بعکس نقطه مقابل است و عقیده ام این است که از قاچاق جلوگیری نمیکند برای خاطر اینکه همان يك ذرع چهلوار را هم فلان آدم قاچاق خواهد کرد و هیچ مانعی ندارد که اگر راهی فرضا برای قاچاق ورود در دست باشد برای صدور در دست نیست همان طوری که آن بلم بادی قاچاق که در روی دریا است آن کشتی بادی در دریا میآید و مال التجاره قاچاق توی آن حمل میشود و همانطور که توی صحرا خالی میکند مال التجاره قاچاق ممکن است ببرد و صادری در مقابل او صادر کنند پس قاچاق زیاد تر میشود تصور میکنند این قانون هم از قاچاق جلوگیری میکند یا تکافو میکند خیالات و منظور شما را بنده تصور میکنم این است که من باب تذکر عرض کردم.

**رئیس کل تجارت** - اینکه آقای طهرانی معتقدند که دولت خودش باید متصدی صادرات و واردات بشود این خلاف عقیده خودشان است برای اینکه در ضمن فرمایشاتشان دلسوزی مینمایند برای يك عده تجاری که از بین میروند. اگر خود دولت متصدی شود بکعبه باید بروند بنشینند خانه شان. وقتی دولت خودش متصدی شد ولو يك اداره خیلی وسیعی هم درست کنند فرض کنید باز دویست نفر تاجر لازم دارد نه پنجهزار نفر الان بطور تخمین پنجهزار نفر تاجر صادر کننده وارد کننده از تاجر و عامل و فلان در تمام مملکت و شهرها هستند. خوب این پنجهزار نفر در صورت تصدی دولت میروند خاتشان و بیکار می نشینند مصلحت نیست و بعلاوه این فکر شما بایک رژیم دیگری مناسب است بالاخره با حفظ اصول زندگی خودمان مناسب نیست. يك مطلب دیگر راجع به قاچاق فرمودند. از زیاد شدن قاچاق نرسید برای اینکه يك عامل مهم و موثر قاچاق و كلك قاچاق تسهیلاتی است که در قسمت اسعاری حاصل میشود اگر شما يك مشکلات اسعاری برای قاچاقچی درست کردید در خارجه هم

صدور فروخته باشند آنوقت موقع صدور معنی ندارد. بنا بر این در این مورد بخصوص باید گفت از تاریخ صدور. والا بطور کلی از تاریخ فروش است. در هر حال پیشنهاد را قبول میکنم

**رئیس** - آقای ملک مدنی

**ملک مدنی** - عرض کنم بنده در تعقیب آن عرایضی که کردم باز عرض میکنم راجع بمحصلین خارجی که بخرج اولیای خودشان بفرنگ رفته اند. يك تبصره ما پیشنهاد کرده بودیم که باین ماده اضافه شود اولیای این محصلین مجاز باشند که برای مصارف و اعاشه آنها اجناسی از داخله بفرستند در صورتیکه تعهد اسعاری نداشته باشند. بنده و جمعی از آقایان که این قضیه متالابه مان است مقصودمان این است که پس از گذشتن این قانون تهیه اسعار برایمان خیلی مشکل است برای اینکه مطابق این قانون باید بیانك مراجعه کرد و بانك هم اشخاصی که اسعار داده و جنبه تجارنی دارند آنها را مقدم میدارد. و همان طور که آقای یاسائی اشاره کردند يك کریز غیر مرئی پیش آمده و هست و باید سه ماه بلا تکلیف بشیم تا به بینیم درت كسی يك اسعاری پیدا میکند که بلا مانع باشد. و آیا پیدا میکند یا نه؟ این است که بنده و جمعی از آقایان در نظر گرفته بودیم در این ماده پیشنهاد کنیم اشخاصیکه محصلینی بخارجه فرستادند آنها اجناس و اشیائی که ممکن باشد بفرستند بخارج برای اینکه از فروش آن اجناس و اشیاء محصلین ارتزاق کرده باشند. به آقای وزیر عدلیه هم عرض کردیم فرمودند در یکی از مواد دولت اجازه دارد که بعضی اشخاصی را از تعهد اسعاری معاف کند و ممکن است اگر چنانچه ما اجناسی بگیریم که دیگران احتیاج دارند از آن ماده بتوانیم استفاده کنیم یعنی وضعیت محصلین را تأمین کنیم. این است که بنده خواستم تذکر بدهم که ایشان يك جوابی بفرمایند و این قسمت را در نظر بگیرند که حقیقتاً وضعیت آنها را تأمین کند و اگر هم بنای دولت بر این است که این محصلین بر گردند سر پرست آنها دولت است به اولیای آنها اخطار کند که از حالا تا یکماه دیگر خرج مسافرتشان را

باسعار بدهند که ما بفرستیم و برگردند بیایند. والا اگر بنا شود آنجا باشند و خرج نداشته باشد وضعیت معاششان غیر مرتب باشد این برای حیثیات دولت هم خوب نیست. (صحیح است)

**وزیر عدلیه** - البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق

دارند که دولت خودش با اعزام محصلین بخارجه موافق است. بنا بر این بدیهی است دولت میل دارد تسهیلاتی که مضر با اساس کار نباشد فائز شود دولتی بنده بطور خصوصی باقا عرض کردم و عرض نکردم که پیشنهاد بدهید در مجلس که اگر کسانی اجناسی بخارجه میفرستند از برای آنکه آن اجناس بدل شود به پول خارجی میتوانند باین ترتیب خرج کسانی را که برای تحصیل فرستاده اند بدهند و از تعهد معاف باشند. این مسئله را بنده عرض نکردم و هیچ ضرورتی نمیدانم. اگر حقیقتاً هیچ طریق دیگری نیست برای وضعیت محصلین آنوقت البته ممکن است دولت نظر بآن ماده که حق دارد در بعضی از موارد بعضی از صادر کنندگان را از تعهدات اسعاری معاف بدارد ممکن است این کار را هم بکنند. ولی بنده بطور قطع عرض نکردم. بد تغییر شد. چون فرمودید اینجا که بیایید بگوئید بنده از طرف دولت هیچ تعهدی نمیتوانم بکنم فقط چیزی که میتوانم تعهد کنم این است که دولت تمام سعی خودش را خواهد کرد برای اشخاصیکه خارج تحصیل میکنند که آنها با تحصیلات ناقص برنگردند از بی پولی. و یا اینکه در مضیقه بی پولی نمانند حالا با باین ترتیب با بطریق دیگر عجالاً بنده تقاضا میکنم این پیشنهاد را حالا ندهید و همانطور که آقایان دیگر خیال کرده اند حالا باشد.

**رئیس** - آقایانیکه با ماده هفتم با آن اصلاح موافقت

دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. آقای رئیس کل تجارت فرمایشی

دارید؟

**رئیس کل تجارت (یاسائی)** - خیر.

**رئیس** - ماده هشتم قرائت میشود.



( بشرح آتی قرائت شد )

ماده هشتم :

الف) دولت مکلف است پس از اعلان سهمیه های مذکوره در ماده ۳ و موضوع نمودن میزانی از اجناس مزبور که ورود آن برطبق قراردادهای مخصوصی باید بعمل آید حق وارد نمودن بقیه اجناس سهمیه را بوسیله جوازهای ورودی باشخاص یا مؤسسات مختلفه تجارتهی واگذار نماید (ب) برای تحصیل جواز ورود هر درخواست کننده باید درخواست کتبی با ذکر نوع و میزان و مبلغ اجناس ورودی و مملکت و میبده و گمرک خانه که از آن اجناس وارد خواهد شد و اسم و شهرت در خواست کننده و مدتی که در آن جنس وارد خواهد شد و سایر توضیحاتیکه از طرف اداره کل تجارت معین خواهد گردید با اداره مزبور بدهد باستثنای مواردیکه در اینقانون معین شده درخواست کننده باید معادل قیمت جنس موضوع درخواست تصدیق صدوری که تعهد اسعاری ناشی از آن انجام شده باشد بدرخواست خود ضمیمه نماید و الا بدرخواست او ترتیب اثر داده نخواهد شد در غیر موارد مستثنیه دادن جواز ورود باعتبار تصدیق های صدوری که تعهدات اسعاری ناشیه از آنها انجام نشده باشد ممنوع است .

ج) اداره کل تجارت مکلف است با مراعات شرایط مقرر قانونی بمیزان صدی نود و پنج مبلغ تصدیق صدوری که تعهد اسعاری آن انجام شده باشد جواز ورود بدرخواست کننده بدهد در جواز اطلاعات مذکوره در فقره (ب) این ماده و توضیح باین که جواز ورود برطبق تصدیق صدوری که تعهد اسعاری آن انجام شده است باید ذکر شود همچنین در جواز ورود مدت اعتبار آن که متناسب با مدتی که برای وارد کردن جنس لازم است خواهد بود باید ذکر شود و در ظرف مدت مزبور گیرنده جواز مکلف به وارد نمودن جنس موضوع جواز خواهد بود و الا باید اسعاری را که برای وارد نمودن جنس خود از دولت و یا بانکهای مجاز خریده است با فرع معمولی بانک بفروشنده مسترد نماید . در هر حال مدت اعتبار جواز

بشوم ماده ۴ دولت را که رأی داده شد مجدداً قرائت میکنم برای اطلاع آقایان .

دولت میتواند در موارد ذیل وارد کردن اجناس خارجی را که تحصیل آن در محل مصرف در داخله ایران اشکال داشته باشد از الزام صادر کردن محصولات ایران برطبق اجازه مخصوص معاف دارد . چه چیز است آنها ؟ اول اجناسی که دولت برای احتیاجات خود مستقیماً وارد میکند بنده می خواستم اول سؤال کنم اجناسی که دولت برای احتیاجات خودش وارد می نماید در چه حدود است که از تصدیق صدور معاف است ؟ بنده اینطور شنیدم که اینجا گفتند ده ملیون ده ملیون اقلش است یا بیشتر . ده ملیون بدون صدور محصولات ایران وارد میشود . آنوقت معادل چطور میتوانیم بکنیم در صورتی که ما ده ملیون وارد میکنیم بدون اینکه خارج کنیم چرا دولت را مکلف نمی کنید که برود تصدیق صدور بخرد ؟ تا معادله حاصل شود بین صادر و وارد ما این کار را نمیکنیم اجازه میدهیم که دولت ده ملیون بدون تصدیق صدور وارد کند آنوقت هم میگوئیم اگر وارد کند اگر صادر کند اگر عرضه و تقاضا نباشد دنیا بهم میخورد . این یکی آقا . از طرف دیگر . بکسمت دیگر ما داریم و آن اینست که در مقدمه این لایحه مینویسد اجناسی که دولت برای احتیاجات خود مستقیماً وارد می نماید در حدود اسعاری دولت و صدی پنجاه اسعار حاصله از صدور اجناس انحصاری دولت . عواید اسعاری دولت در چه حدود و چه قدر است ؟ این هارا ما حساب نمیکنیم . خیلی است . ما امسال اعتراض داریم بیک کمیان که غیر حق آمده حقوق ما را کم کرده . حقاً هم اعتراض داریم پارسال چقدر بود ؟ یک ملیون و دو بیست و پنجاه هزار بودند بوده . عواید دیگرش هشتصد هزار لیره بابت تذکره در حدود دو ملیون بودند این دو ملیون بودند در حدود واردات و صادرات ما تأثیر دارد یا ندارد ؟ این که این قسمت البته همه علاقمندند که صادر و وارد معادله داشته باشد

ولی اگر این علاقمندی هست دولت هم مثل يك نفر تاجر باید برود و تصدیق صدور برای خودش بخرد . یاد ر بود چه دولتی يك مبلغی برای اینکه بگذارد صد هزار تومان ، پنجاه هزار تومان برای تصدیق صدور . آنوقت معادله صادر و وارد حقیقتاً میشود . ولی وقتی که این را نگذاشتیم و دولت خواست ده ملیون وارد کند و تصدیق صدور هم ندهد این معادله نمیشود و نقض غرض است . و البته مانعی ندارد . دولت برود عوض ده ملیون بیست ملیون وارد کند در این قسمتش مخالفتی نداریم . ولی باید تصدیق صدور بگیرد . آدم سر ماده هفتم - هشتم . يك اصلی هست که هیچکس نمیتواند انکار کند و آن این است که بایع پیدا است و مشتری مخفی . کسی که چیز میفروشد محل دارد . خیابان دارد . دکان دارد . آدرس دارد . سر لوحه دارد تابلو دارد . ولی مشتری کیست ؟ معلوم نیست و مخفی است . يك مؤسسه تجارتهی وقتی که میخواهد جنس بفروشد نمیتواند بگوید مشتری اینست . ولی من که میخواهم جنس بفروشم میگویم دکان من اینست . و این جنس را دارم چطور بود آقا سابق بر این مشتری يك چیز معین داشت . صدور معین داشت . یعنی اگر بنده میگم صد هزار تومان خارج کرده ام . این جنس را که صد هزار تومان ده هزار تومان از مملکت خارج کرده بودم که ببرم در بازار امریکا یا اروپا برایش مشتری پیدا کنم حالا که مشتری پیدا نیست صدیقتش را در بازار طهران میفروختم یکی میفروختم بوارد کننده فروخته ام این مسئله طبعاً مشوق کرده بود که صادرات مملکت زیاد شود برای اینکه اگر من هزار تومان خارج می کردم دو بیست تومانش بمن رسیده بود نقداً برای آنکه من میگفتم اگر هزار تومان جنس خارج کنم دو بیست تومان آنرا تصدیق صدور میفروختم و بعبارت دیگر از طهران میبرفتم . ولی امروز ملاحظه کنید این کار را دیگر نمی توانیم بکنیم . یعنی امروز که جنس را خارج میکنیم باید ببریم در اروپا . وقتی که فروختیم من حیث المجموع همان دو بیست تومانی که این جا گرفته ام میگیرم و هم هشتصد تومان را . هزار تومان را باید بگیرم . و این



فرقش خیلی زیاد است. نقطه مقابلش است. کسیکه وارد می کرد جنس را مجبور بود صد بیستش را از دست بدهد و مطلوب ما هم همین بود که برای ورود مال التجاره اشکال تراشی کنیم. صد بیست پول مال التجاره را قبلاً باید بدهد اول مجبور بود صد بیستش را بدهد بعد وارد کند. حالا آن ترتیب بهم خورده. يك مؤسسه خارجی فرض بفرمائید دارای يك مایون تومان سرمایه است. این مؤسسه دارای اسعار خارجی است چون دست دارد خیلی سهل میتواند در مقابل جنسی که صادر میکند اسعار خارجیش را به برد بدولت بدهد و تصدیق صدور بگیرد و وارد کند ولي فلان تاجر داخلی که امروز کتیرا صادر کرده بایست اعتبار بفرستد بفلان نقطه. و این جا چنین اعتباری ندارد که امروز بتواند هزار پوند تعهد اسعاری بشمارد در این نکته خیلی دقت بفرمائید. یکی از رفق تذکر دادند فلان مؤسسه خارجی میآید و در مقابل هر مقدار از اسعار شما فوراً جنس صادر میکند و تعهدش را انجام میدهد و پولش را میدهد اسعار خارجی را میدهد و جنس وارد میکند. آن وقت نتیجه این میشود که صادرات او وارد هم هست. و این صدمه میزند به تجار کوچک و وضعیات تجارتهای را حقیقتاً مختل میکند. ما اینمطاب را از نظر تذکر میگوئیم. ما میخواهیم مباحثه کنیم و مباحثه الفاظ نداریم. و نمیخواهیم ژو و بازی کلمات بکنیم. اینها يك چیزهایی است که بما میگویند و ما هم با آقایان میگوئیم. ما باید امروز بگوئیم که این مانعی که دولت قرار میدهد در مقابل تصدیق صدور و این صدی هشت تعهد اسعاری که گذاشته ایم در مقابل تصدیق صدور که بایستی این پول پرداخته شود دیگر کی میتواند این کار را بکند تجاری میتواند این کار را بکند که تصدیق صدورشان را هم وقت بفرشند آقای وزیر عدلیه فرمودند بطور کلی صادر کردن خیلی خوب است. خیلی خوب. ما هم قبول داریم که خیلی خوب است. ولی يك اما گذاشته اید در مقابلش. اگر صادر شد ولی پولش نباید من مخالفم. همه مخالفند. این چیزی نشد. صادر کردن خیلی خوب است یا اگر پولش نباید ما

مخالفیم. اگر همه موافقند ما هم موافقیم! البته صادر کردن باید زیاد باشد ولی باید دید به کجا میرسد این زیاد کردن! این صادر کردن موازنه حقیقیش شده یا نشده اگر ما در این قسمت قضیه بیائیم و بنام دولت مبلغی بگیریم و بگوئیم که دولت فلان. وزارت مالیه. وزارت معارف که میخواهد يك چیزی وارد کند باید تصدیق صدور بگیرد آنوقت موازنه حقیقی پیدا شده و تمام نگرانی هائی که هست رفع میشود. يك تذکری بنده دادم که ابتلاء آن برای خود آقای وزیر عدلیه هم پیدا شده و بخودشان هم عرض کردم. بعد از این قانون انحصار تجارت تعهدات اسعاری که تا کنون از طرف تاجر شده و هنوز انجام نشده و پولشان را نداده اند و الان مورد تعقیب اند خواهش دارم بفرمائید چند نفرند؟

**وزیر عدلیه** - قریب پنج هزار نفر.

**رهنا** - این يك زحمتی است که برای خود آقای وزیر عدلیه هم تولید شده که باید آنها را تعقیب کنند این کار اگر توسعه پیدا کند بالاخره کجا میرسد؟ پنج هزار نفر؟! فرق نمیکند اجازه بدهید. کسی که تجارت نمیکند اگر قبلاً مجبور باشد بفروشد این تجارت میخواهد. شما خیر نمیکند او چه میکند؟! وقتیکه دید نمیشود و زحمت دارد ول میکند. پس باید يك تسهیلاتی بکنید که او هم کار کند. عرض کنم تصدیق صدور سابق بر این در این مملکت زحمت داشت. البته باید در تصدیق صدور ها دقت کنید که نیابند آب ببرند بجای روغن. يك تابلو را بر میدارند میزنند و دولت هزار تومان قیمت برایش معین می کند و انیکت میزنند. این را من باب تذکر خدمت آقایان عرض کردم و الا میدانم که در این قسمت این ماده هم بهمین شکل میگذرد و تصویب میشود برای اینکه مطالعه شده و اکثریت هم رای خواهند داد و همه موافقتند. ولی این را عرض کردم برای اینکه آقایان همه چیز را مطالعه کرده باشند تا بدانند همه چیزها مطمئن است و هیچ عوایدی از بین نمیرود؟ قطعاً همین است که هست و این يك فکر صحیحی است که بدون تردید منافع و سعادت مملکت هم درش هست و همه هم

در این موقع ظهر يك بعد از ظهر اتفاق دارند بگذرد (بعضی از نمایندگان - نزدیک دو بعد از ظهر) و گرنه ممکن است قدری درش بحث کنند ضرر ندارد بکفایتونی یکساعت دیرتر تصویب شود ولی با دقت تر تصویب شده باشد.

**افسر** - اگر فراکسیون تشریف آورده بودید این حرفها را نمیزدید افسوس که تشریف نیاوردید و ما تمام این حرفها را یکساعت بعد از نصف شب زدیم

**وزیر عدلیه** - آقای روی اینکه معادله صادرات و واردات باید بشود تمام استدلالات خودشان را چیدند و روی او تکمیل کردند. آقا میدانید ما که صادرات و واردات میگوئیم مقصود همان صادرات و واردات جنس تنها نیست بلکه مقصود همان رویهمرفته صادرات و واردات است اعم از هرگی و غیر مرغی و جنس و غیر جنس. ایندو حساب باید تعادل کنند فرض کنید اگر يك کسی بود که می توانست در سال فقط ده میلیون جنس صادر کند و در سال چهارده میلیون هم تنزیل پولش میشد یا عواید دیگر او بود که از خارج برایش می فرستادند این مبلغ هم مثل این بود که صادر کرده باشد. ما روی این حساب هستیم دولت اگر عواید اسعاری دارد شما میفرمائید دولت باید برود تصدیق صدور بخرد. برای چه؟ دولت یا عواید اسعاری دارد یا ندارد. اگر دارد این عواید اسعاری با این است که صادرات غیر مرغی دولت است یا صادرات مرغی است که دولت بوسیله غیر مستقیم یا بوسیله اشخاصی بدست میآورد. فرض کنید مثل انحصار. يك قدری از صادرات مواد انحصار را اشخاص کرده اند ولی اسعارش بدست دولت میآید. پس این اسعار مجانی و از آسمان بدست دولت نیامده که حالا شما خیال میکنید دولت آمده و در بازار اسعار آورده و اگر اسعاری خودش دارد که میخواهد با آن احتیاجات خودش را مرتفع میکند این هم اشکال ندارد شما هم حدی قرار گذاشته اید که در حدود اسعاری که دولت دارد میتواند احتیاجاتش را رفع کند. میفرمائید اسعار از کجا پیدا میکنند؟ ما

که تعهد شدیم آقا هر چند میلیون باشد. راه آهن این مملکت را نمیشود آقا با صحبت و اینکه بنده کتیرا بار ککنم درست کرد. حالا بنده میروم بقسمت دوم تا به بینم عیب او کجا است. بنده اول عرض کردم که ضرورت ندارد و ضرر دارد و برای اینکه دولت مثل سایر افراد نیست. خودش اسعار دارد اگر صادر میکند برای این است که اسعار بدست بیآورند پس اگر اسعاری در دست نیست بواسطه صادرات غیر مرغی و امثال ذلك محتاج تصدیق صدور نیست. پس از این حیث ضرورت ندارد اما در آن قسمت دیگرش. وقتی که بنده دولت آمدم و خواستم در بازار تصدیق صدور بخرم دیگر شما چقدر جنس دارید که صادر کنید. در سال شما فرض کنید (از روی رقم عرض میکنم) پنججاه میلیون تومان جنس صادر میکنید معادل آنهم پس از وضع تمام چیز هائی که زدیم تقریباً نزدیک به این هم جنس باید وارد شود تا معادله حاصل شود. این شد آقا. اگر دولت آمد و بگوید جنابعالی (رقم خودتان را بگیرم) ده میلیون خواست از این رقم در بازار تصدیق صدور بخرد. چهل میلیون دیگر که بیشتر تصدیق صدور بدست مردم نیامده. آنوقت این چهل میلیون تصدیق صدور که دست مردم است اجازه میدهد که نود و پنج در صد از آن جنس وارد شود از خارج. اجناسی که امروز دولت گذاشته است وارد شود آنهاست که دولت تشخیص داده که باید وارد شود. و کمان میکنم زیاد هم نشود درش زیر و رو کرد. واقعاً طرف احتیاج است. و اگر بنا شد از این اجناسی که طرف احتیاج است باز پیش از این بزنیم البته چون يك قسمتی طرف احتیاج است قیمتش بی اندازه زیاد خواهد شد. من باب مثال عرض می کنم قیمت قیمت بگذارید پانزده ملیون. بعد بواسطه این که در (در این موقع آقای طهرانی برای خروج از جلسه حرکت کردند)

**رئیس** - ما نود و دو نفر برای رای می خواهیم. نود و سه نفر شماره کردیم. يك نفر که برود دیگر نمیشود کار کرد



افسر - نیرویم آقا. هستیم.

**وزیر عدلیه** - بنابراین اگر بنام ما آمدیم خواستیم برویم از این بازار تصدیق صدور بخریم جنس هم بالاخره کم وارد می شود برای احتیاجات جنسی که کمتر وارد شد مردم بیشتر در مضیقه می افتند. این را نمی گوئیم و تحمل میکنیم. ولی به بینیم ضررش کجا است؟ این است که بنده که باید در این مملکت مصارف بکنم باز چه بیوشم. قند بخورم و امثال ذلك. ولو اینکه کارگر هم باشم چون فوق العاده.

**رهنما** - وطن.

**وزیر عدلیه** - مقصود فهم مسئله است یا اینکه میخواهیم همدیگر را هلو کنیم. وقتی که بنام شما آمدید يك قسمت آنچه را که طرف احتیاج بود ورودش را زدید بالاخره به من هم فشار می آید. شما هم عیب آید. این بازار آن بازار آنوقت جنس خیلی ترقی میکند. من باید جنس را خیلی گران بخرم. مصرف کننده بالاخره اختیارش با وارد کننده است. وقتی که این قدر جنس گران مصرف کردیم و گران خریدیم آنوقت چطور می خواهید که پنبه را به قیمت سابق بفروشیم. وقتی که گران فروختیم وضعیت صادراتمان آنوقت بد می شود و ضررش نه تنها این است که بطور غیر مستقیم باعث جلوگیری از صادرات می شود بلکه اگر دولت می خواست خودش تصدیق صدور بخرد اصلاً این ضرورتی نداشت. دولت بواسطه اسعاری که دارد (همان طور که عرض کردم) و در دستش است بهمان اندازه البته باید وارد کند. و اگر هم اسعار ندارد که نمی تواند. پس این اشکالی ندارد. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

**بوشهری** - بنده مخالفم.

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید.

**رئیس** - میخوانند دفاع کنند و بفرماید کافی نیست.

**بوشهری** - در اینجا نوشته شده است که اگر يك شخصی

یکی از نمایندگان - در کفایت مذاکرات بفرمائید.

**بوشهری** - يك ایرادی دارم. باید عرض کنم

بچه دلائل.

در موقع خروج اجناس ورودی از گمرک بداخله مملکت قیمت آن اجناس را بدقت مطابق نرخ عمده فروش بازار دفتر ورود تعیین نموده و معادل آن جواز ورود دریافت دارند - جوازهای ورود مزبور از طرف گمرک باطل شده و برای اداره کل تجارت باید ارسال شود.

هرگاه در محل دفتر ورود بازار عمده فروش نباشد قیمت نزدیکترین بازار عمده فروشی آن جنس مأخذ تقویم واقع خواهد شد. حقوق و عوارض گمرکی و کرایه از سرحد تا محل دفتر ورود از قیمت عمده فروش کسر می شود.

(ب) در صورتیکه اجناس بطور عمده فروشی در سرحد بفروش برسد قیمت عمده فروشی با منظور نمودن منفعت مختصری اساس تقویم خواهد بود.

تبصره - سایر مقررات مربوطه به تقویم واردات بموجب نظامنامه که به تصویب هیئت وزراء رسیده باشد تنظیم میشود (ج) گمرک خانهای ورودی مکلف میباشند که بر حسب تقاضای وارد کننده جنس بلا تأخیر تصدیق ورود جنس مزبور را با تعیین قیمت تقویم و ذکر جواز ورودی که باعتبار آن جنس وارد شده است بمشارایه بدهند.

(د) تصدیقهای ورود مذکور تعهد استرداد اسعار خریداری شده از دولت و یا بانکهای عامل دولت را برای وارد نمودن اجناس زایل مینماید.

(ه) وارد نمودن اجناسیکه در سهمیهها ذکر نشده باشد بوسیله اشخاص و مؤسسات مختلفه به گمرک و قبول کردن اجناس مزبور از طرف گمرک بدون اجازه دولت مجرم است.

(و) وارد کردن اجناس ذیل محتاج باره جواز ورود نمیباشند.

۱ - اشیائی که بطور ترانزیت ویا کاپوتاز وارد می شود.

۲ - اسباب سفر و اشیاء شخصی مسافران.

۳ - طلا و قره بشکل شمش و خاک و مسكوك.

۴ - روزنامهجات و مجلات و کاتالک و امثال آن.

(ز) برای اجناسی که بعنوان هدیه و سوغات ویا نمونه ویا رکلام وارد می شود در حدود نظامات مقرر از طرف دولت و بشرط صدور اجازه مخصوصی دولت در هر مورد جواز ورود بدون اخذ تصدیق صدور داده خواهد شد.

(ح) دولت می تواند ساخته شدن اجناس ورودی را بطور خاص ویا بسته شدن آنها را بشکل مخصوص شرط ورود قرار دهد.

**رئیس** - آقابانیکه با ماده نهم موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده دهم:

ماده دهم - وارد نمودن هر يك از اجناس خارجی بچاك ایران علاوه بر اجرای مقررات انحصار تجارت خارجی مشروط بتأدیه حقوق و عوارضی که در موقع ورود اخذ می شود در روی اساس پول طلا خواهد بود. حقوق و عوارض صدور نیز در روی همین اساس اخذ می شود.

**رئیس** - آقابانیکه با ماده دهم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده یازدهم قرائت میشود.

ماده یازدهم - الف) کلیه اجناسی که برخلاف مقررات این قانون وارد مملکت بشود قاچاق محسوب و به تعق دولت ضبط و فروخته می شود و مرتکبین به حبس از شش ماه الی یکسال محکوم خواهند شد.

ب) کلیه معاملات اسعار خارجی که برخلاف مقررات این قانون بعمل آید قاچاق محسوب شده و مرتکبین (مجرم و شرکاء و معاونین) بطور تضامنی بپرداخت جریمه معادل يك برابر موضوع معامله محکوم بوده و علاوه ممکن است به حبس یکماه تا یکسال محکوم گردند.

ج) اشخاصیکه تعهدات صدور و تعهدات اسعاری خود را در مدت معینه انجام ندهند و از طرف دولت مهلت و یا معافیتی نسبت به تعهدات اسعاری آنها داده نشود همچنین اشخاصیکه اسعار خریداری شده برای واردات را در صورت وارد نمودن جنس در موقع معینه مسترد ندارند علاوه بر اجرای تعهد خود محکوم به تأدیه تا خمس مبلغ تعهدی خود به پول ایران بعنوان جریمه خواهند شد.

تبصره - در صورت عدم تأدیه جرائم مذکور در فقرات «ب» و «ج» این ماده وعدم امکان اخذ آن از مجرمین



مشار الیوم به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهند شد. (د) مأمورین دولتی که برخلاف مقررات این قانون تصدیق صدور و یا جواز ورود و یا تصدیق ورود بدهند و یا مال التجاره صدوری و ورودی را برخلاف مقررات قانونی تقویم نمایند و همچنین مأمورینیکه بدون جواز ورود و یا اجازه مخصوص دولت اجازه خروج اجناسی را از گمرکخانه برای ورود به ملک بدهند و یا از صادر کنندگان در موقع صدور جنس تعهد اسعار خارجی نگیرند (در صورتیکه از تعهد اسعار خارجی معاف نباشند) بحسب از یکسال تا پنجسال محکوم خواهند شد و به علاوه از خدمات دولتی بطور دائم منقل می شوند.

ه) اشخاصیکه تصدیق صدور جواز ورود و تصدیق ورود جعل نمایند و یا اسناد مزبور را که باید باطل شود دوباره بچربان بپردازند و یا از نسخ متعدد اسناد مزبور بخواهند جداگانه استفاده نمایند به مجازات های معینه برای جعل اسناد رسمی محکوم می شوند.

در صورتیکه مرتکبین مستخدمین دولت باشند بحد اکثر مجازات محکوم خواهند شد.

و) اشخاصی که برخلاف یکی از مقررات این قانون عمل کرده مرتکب ارتشاء بشود بحد اکثر مجازات مقرر برای مرتشی محکوم خواهند شد.

ز) بکاشفین معاملات اسعار خارجی و تخلفات از این قانون صدی سی از جرایم مأخوذه جایزه پرداخته خواهد شد.

**رئیس -** (خطاب بمسعود ثابتی) - بیرون تشریف ببرید.

**مسعود ثابتی -** بنده در فضای زیر زمین هستم. همین جا **رئیس -** آقایانی که با ماده یازدهم موافقت دارند قیام فرمایند.

**وزیر عدلیه -** آقایان اگر اجازه بدهند در عبارت یک اصلاحی شود بهتر است. در این فقره «واو» نوشته اشخاصی که برخلاف یکی از مقررات این قانون این فرمول خوب نیست. بهتر این است این طور نوشته شود: اشخاصی که با گرفتن رشوه برخلاف یکی از مقررات این قانون عمل کنند بحد اکثر (صحیح است) عبارت باید

داشتم سایر رفقاً هم همینطور اگر آقایان این اصول و این سیستم کار را لازم الرعایه نمیدانند بنده هم از نقطه نظر عقاید شخصی یک عرایضی دارم. اگر این مذاکرات طولانی شد بنده حاضرم عرض کنم. نمایندگان - اصول باید مراعات شود.

**شریعت زاده -** پس از این مراعات خواهد شد. (البته)

[ ۹ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه ]

**رئیس -** اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم میکنیم. (صحیح است) جلسه آینده سه شنبه ۲۸ تیر. سه ساعت قبل از ظهر. دستور لوائح موجوده.

[ مجلس دو ساعت و ده دقیقه از ظهر گذشته ختم شد ]  
**رئیس مجلس شورای ملی - دادگر**

این طور باشد: اشخاصی که با گرفتن رشوه برخلاف یکی از مقررات این قانون عمل کنند. که پول بگیرند این کار را نکنند. چون برای کسانی که تخلف کرده باشند بدون رشوه یک مجازاتی هست ولی در این جا متصود این است که برای کسانی که پول گرفته باشند و برخلاف یکی از مقررات عمل کرده باشند بحد اکثر مجازاتی که برای مرتشی هست محکوم خواهند شد.

**رئیس -** عرض کنم بنده در این ماده رأی گرفتم. عده از نمایندگان - رأی نگیرند. اعلام رأی فرمودید.

**وزیر عدلیه -** بمحض این که اعلام رأی فرمودید بنده تصحیح را عرض کردم.

**رئیس -** اگر خود مجلس معتقد است که رأی نداده بسیار خوب. آقایانیکه باین تصحیح ماده یازدهم را تصویب میکنند قیام فرمایند. (اکثر برخاستند)

**رئیس -** تصویب شد. ماده دوازدهم قرائت میشود. ماده دوازدهم - این قانون بلا فاصله پس از تصویب بموقع اجرا گذارده می شود و ادارات مربوطه دولتی مأمور اجرای آن می باشند و کلیه قوانین و مقرراتی که تا بحال نسبت بانحصار تجارت خارجی وضع شده و مخالف این قانون باشد از درجه اعتبار ساقط است.

**رئیس -** آقایانیکه با ماده دوازدهم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

**رئیس -** تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است. مخالفی نیست. آقای شریعت زاده بفرماید.

**شریعت زاده -** بنده یک عرض خیلی مختصری داشتم چون مایک سیستم کاری داریم که قبلاً مشورت میکنیم. شور میکنیم. بعد در مجلس مطرح میکنیم بعبارة آخری راجع به همین طرح قانونی دیشب تا یک بعد از نصف شب مذاکرات و مباحثات در فراکسیون شد (صحیح است) و در نتیجه مطالعه قرار شد که در این جا مطرح شود اگر بنده خودم را مجاز میدانستم که مخالف نظامات فراکسیون رفتار کنم از نقطه نظر عقاید شخصی بنده هم خیلی مطالب



## قانون

### اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی

- ماده اول - تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین میزان و شرایط ورود و صدور آنها در حدود مقررات این قانون به دولت واگذار میشود.
- ماده دوم - وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجیه بایران با استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است مشروط بشرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی ایران و مراعات مقررات این قانون است تناسب بین واردات و صادرات مزبوره برطبق مقررات این قانون معین می گردد بعلاوه به دولت اجازه داده می شود در مواردی که مصالح اقتصادی مملکت اقتضا نماید اجازه ورود باره محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجیه را مشروط بشرط صدور محصولات طبیعی و یا صنعتی معین ایرانی نماید.
- تبصره - اجناسی که بعنوان ترانزیت وارد خاک ایران می شود جزء واردات مملکت محسوب نشده و مشروط بصادر کردن محصولات و یا صنوعات ایران نمی باشد و ورود آنها محتاج بداشتن جواز ورود نخواهد بود ولی در صورتیکه اجناسیکه بطور ترانزیت وارد میشود از حدود مقررات ترانزیتی خارج و در داخله ایران بمصرف برسد وارد کنندگان ملزم با اجرای مقررات قانون انحصار تجارت خارجی خواهند بود. بعلاوه از اینگونه اجناس عوارض ورودی دو مقابل مأخوذ خواهد گردید و اگر اجناس غیرمجاز باشد بلاعوض از طرف دولت ضبط خواهد شد.
- ماده سوم - الف - دولت مجاز است حق وارد کردن محصولات خارجی را که خود نمیخواهد مستقیماً عهده دار شود بشرط معینه و در تحت مقررات مخصوص باشخاص و یا مؤسسات مختلفه تجارتهی واگذار نماید.
- ب - برای تأمین این مقصود دولت مکلف است که در هر ساله در اول تیرماه که اول سال اقتصادی است صورتی از محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجی را که خود مقصدی ورود آنها نخواهد بود و اجازه وارد نمودن آنها را در ظرف آن سال اقتصادی باشخاص و یا مؤسساتی خواهد داد اعلان نماید.
- ج - در صورت مزبور که سهمیه نامیده می شود میزان هر یک از محصولات مزبوره و گمرکخانهائی که از آنجا آن محصولات را می توان وارد نمود و سهم هر یک از گمرکخانههای مزبور معین خواهد گردید.
- تبصره - برطبق تصویبنامه هیئت وزراء در سهم هر یک از گمرکخانهها تغییر و تبدیل لازم می توان داد.
- د - گذاردن اجناسی که در داخله ایران تهیه می شود و از حیث مقدار و مرغوبیت کافی احتیاجات مملکتی است در سهمیه و بالتبعجه دادن اجازه ورود اجناس مزبوره برای تجارت ممنوع است.
- ه - نسبت اجناسی که در داخله ایران تهیه می شود ولی از حیث مقدار کافی احتیاجات عمومی نمی باشد فقط بقدر تکمیل احتیاجات عمومی در سهمیه گذارده خواهد شد.
- و - همچنین در صورتیکه ورود باره اجناس خارجی مستلزم صدور اجناس معین ایران باشد آن اجناس و آن اجناس متقابل آنها و شرایط مربوطه بصدر و ورود در سهمیه ذکر خواهد شد.
- ز - دولت می تواند در ظرف سال اقتصادی میزان و مبلغ اجناس مذکور در سهمیه را اضافه نموده و یا اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید لکن حق کسر کردن اجناس اعلان شده در سهمیه را در ظرف آن سال اقتصادی نخواهد داشت.
- ح - در صورتیکه دولت میزان و یا مبلغ اجناس مذکوره در سهمیه را اضافه نماید و یا اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید آن اضافات نیز باید برای اطلاع عامه اعلان شود.
- ماده چهارم - دولت می تواند در موارد ذیل وارد کردن اجناس خارجی را که تحصیل آن در محل مصرف در داخله



ایران اشکال داشته باشد از الزام صادر کردن محصولات ایران برطبق اجازه مخصوص معاف دارد.

۱ - اجناسی که دولت برای احتیاجات خود مستقیماً وارد مینماید در حدود عوائد اسعاری دولت و صدی پنجاه اسعار حاصله از صدور اجناس انحصاری در صورتیکه اجناس مزبور از تمهد فروش اسعار معاف نشده باشد.

۲ - اشیائی که برای فروشی نبوده و منحصرأً برای احتیاجات و مصارف شخصی وارد شود بشرط اینکه اگر اجناس مزبوره برای اشخاص و مؤسسات خارجی وارد شود پول خرید آن در داخله ایران تحصیل نشده باشد و اگر برای اشخاص و با مؤسسات داخلی وارد شود آن اشخاص و مؤسسات دارای حق معافیت گمرکی باشند و یا ثابت نمایند که پول خرید آن در داخله ایران تهیه شده است.

۳ - ماشین آلات و قطعات و مایحتاج آنها که برای رفع حوائج مهمه ممالک از محصولات و مصنوعات خارجی و یا بهبودی صادرات وارد می شود در حدود اعتبارات اسعاری که از طرف دولت برای این گونه موارد معین می گردد و یا در صورتیکه برای ورود آنها احتیاجی به تهیه اسعار خارجی در بازار ایران نباشد. تبصره - اشیائی که ورود آنها مطابق این قانون از داشتن جواز ورود معاف می باشد از الزام صدور نیز معاف خواهد بود.

ماده پنجم - بجز مواردی که دولت خود تصدی صدور محصولات ایران شده و یا حق انحصاری صدور خود را عملاً بشخص و یا مؤسسه واگذار نماید و یا صدور جنس را محدود و یا ممنوع نماید صدور محصولات ایران با مراعات مقررات این قانون آزاد بوده و مقید بقیود دیگری نخواهد بود در همان حال دولت مکلف است موجبات مرغوبیت هر یک از محصولات صدوری مملکت را تهیه کرده و معین نماید که بچه طرز و ترتیب باید تهیه شود پس از انجام مقدمات مزبوره و اعلان آن دولت مجاز خواهد بود از صدور محصولاتی که مطابق نمونه و شرایط

معینه نبوده و بواسطه عدم مرغوبیت سکنه بحسن شهرت صادرات مملکت وارد مینماید جلوگیری کند.

ماده ششم - الف - قطع نظر از تویمی که ادارات گمرک از قطع نظر اخذ حقوق و عوارضی که در سرحدات مملکت مأخوذ می گردد بعمل می آورند در موقع صدور محصولات ایران که صدور آنها برطبق این قانون اجازه ورود اجناس خارجی را داده و یا مستلزم تمهد اسعاری است باستثناء اجناسی که قیمت صدوری آن بطور ثابت از طرف دولت معین می شود گمرکخانه مکلف می باشد آن محصولات را بدقت تقویم کرده و قیمت صادرات مزبوره را مطابق نرخ عمده فروشی بازار دفتر صدور معین نمایند و هرگاه در محل دفتر صدور بازار عمده فروشی نباشد باید نرخ عمده فروشی نزدیکترین بازار داخلی مأخذ تقویم قرار داده شود و در صورتیکه محل دفتر صدور در سرحد نباشد گمرک اجناس صادره تا سرحد صدور بر قیمت آن افزوده می شود.

تبصره - حقوق گمرکی و عوارض مأخوذه از صادرات در موقع صدور در جزو قیمت صادرات باید محسوب شود ب - پس از حصول اطمینان از این که اجناس مزبور از سرحد ایران خارج گردیده است ادارات گمرک مکلف می باشند که برای هر یک از اجناس صادره تصدیق جداگانه بصادر کنندگان و یا نمایندگان آنها باتعین مقدار و مبلغ و نوع وسایل مشخصات صادرات واسم صادر کننده و یا نماینده او و تاریخ و مقصد صدور و گمرکخانه که از آن جنس صادر شده است بدهند. نسبت به اجناس انحصاری بجز آن صدی پنجاه و پنج تقویمی که بعمل آمده است تصدیق صدور داده خواهد شد.

اطلاعات مذکوره در دفاتر مخصوصی نیز ثبت خواهد شد.

تبصره - در صورتیکه صادر کننده تقاضا کند که در عوض بگورقه تصدیق صدور اوراق متعدد تصدیق صدور که مبلغاً تفاوتی با تصدیق صدور یک ورقه نداشته باشد به او داده شود باید تقاضای او مورد قبول واقع شود ولی صادر کننده نیز در عوض هر یک ورقه تمهد اسعاری باید بدهد و مبالغ تصدیق صدور تمهد اسعاری بدهد.

ج - تصدیقهای صدور مذکوره در فوق قابل انتقال بوده و مدت اعتبار آن از تاریخ ایفای تمهد اسعاری که در موقع صدور محصولات ایران باید بعمل آید تا ششماه خواهد بود.

تبصره - تصدیقهای صدوری که تا تاریخ اجرای این قانون بصادر کنندگان داده می شود و هنوز مدت اعتبار آن منقضی نگردیده و برای اخذ جواز ورود با دانه کل تجارت تسلیم نشده باشد در حکم تصدیقهای صدوری که بعد از اجرای این قانون صادر می شود خواهد بود ولی این گونه تصدیقهای صدور قبل از انجام تمهد اسعاری برای رفع تعهدات صدوری که در سه ماه اول ۱۳۱۰ بعمل آمده است معتبر خواهد بود.

د - برای صدور اجناس ذیل تصدیق صدور داده نشده و تمهد فروش اسعار خارجی نیز اخذ نخواهد شد.

۱ - اسباب سفر و اشیاء شخصی مسافری.

۲ - اجناسی که بعنوان هدیه و سوغات و یا نمونه بخارجه ارسال می شود بشرط آنکه قیمت آنها از هزار ریال تجاوز نکند.

۳ - اجناسیکه بطور کاپوتاژ از یک سرحد ایران صادر و از سرحد دیگر وارد می شود.

ه - برای صدور اجناس ذیل تصدیق صدور داده نشده ولی معافیت از تمهد اسعاری منوط با اجازه مخصوص دولت خواهد بود.

۱ - مواد قطعی ۲ - محصولات شیلات ۳ - تمبرست و جواهرات باسئنه ای فیروزه ۴ - اشیاء عتیقه.

و - در صورتیکه جنس صادره که برای آن تصدیق صدور داده شده است به مملکت عودت داده شود باید از طرف صادر کننده تصدیق صدوری که برای آن جنس داده شده و یا تصدیق صدور دیگری به میزان مبلغ معین در تصدیق صدور آن جنس مسترد شود اینگونه تصدیقهای صدور و تمهدات اسعاری مربوطه به آن باید باطل شود.

ز - سایر مقررات مربوطه به مال التجاره صدوری بموجب نظامنامه که بتصویب هیئت وزراء رسیده باشد معین می شود.

ماده هفتم - الف - کلیه صادر کنندگان باستثناء مواردی که مطابق مقررات قانونی معین شده باشد در موقع صدور اجناسی که در مقابل آن تصدیق صدور اخذ می شود مکلف می باشند تمهدنامه بدهند که به میزان قیمت جنس صدوری خود و نرخ تاریخ تصدیق صدور اسعار خارجی که در بازار آزاد خارجی داد و ستد می شود بدولت بفروشند ب - اینگونه تمهدات در نسخی که عده آن از طرف دولت معین می شود بوسیله گمرکخانه که از آنجا جنس صادر می شود قبل از دادن تصدیق صدور از خود صادر کننده و یا نماینده او اخذ خواهد شد و اداره گمرک مکلف است بلا تأخیر نسخ مأخوذه مزبور را بمؤسساتی که از طرف دولت معین میشود ارسال دارد.

ج - در صورتی که صادر کننده در موقع صدور جنس خود و یا قبل از صدور آن معادل قیمت آن اسعار خارجی که در بازار ایران تحصیل نشده باشد بدولت فروخته و یا بفروشد از دادن تمهد اسعاری معاف خواهد بود در اینگونه موارد تصدیق صدور از تاریخ صدور جنس تا ششماه دارای اعتبار خواهد بود همچنین در صورتی که فروشنده اجناس خود دولت باشد و قیمت آن با اسعار خارجی که در بازار ایران تحصیل نشده باشد بدولت تأدیه شود صادر کننده از تمهد اسعاری معاف خواهد بود.

د - هر صادر کننده مکلف است به مجرد بدست آمدن اسعار خارجی حاصله از صادرات آن اسعار را مطابق تمهد اسعاری خود بدولت بفروشد ولی در هر حال مدت انجام تمهد اسعاری از یکسال نباید تجاوز نماید.

انجام شدن تمهد اسعاری در خود تصدیق صدور که برطبق آن تمهد اسعاری بعمل آمده است از طرف دولت و یا بانکهایی که از طرف دولت مأمور خرید و فروش اسعار دولتی باشند قید شده و تمهد نامهای اسعاری مربوطه



بآنها نیز مسترد خواهد شد و فقط پس از آن تصدیقهای صدور مزبور دارای اعتبار خواهند بود.

ه - در صورتیکه صادر کننده بتواند بفروش نرسیدن جنس خود را با اسناد مثبت و قابل قبول برای دولت ثابت نماید دولت میتواند مهلت متناسبی برای انجام تعهد اسعاری صادر کننده بدهد همچنین دولت میتواند در موارد مخصوصه صادر کنندگان را از تعهد اسعاری معاف نماید.

و - کلیه اسعار حاصله از صادرات که بدولت فروخته میشود از طرف دولت و یا از طرف بانکهای که عامل دولت باشند در حسابهای مخصوص نگاه داشته شده و در ظرف سنه اقتصادی که صادرات مربوطه به آن است اسعار حاصله از صادرات عمومی مطابق مقررات قهرج و ماده ۸ و صدی پنجاه اسعار حاصله از صدور محصولات انحصاری بمصرف وارداتی که جواز ورود آنها بر طبق تصدیقهای صدور که تعهد اسعاری ناشی از آن انجام شده باشد بمیزان مبالغ معینه در جواز ورود باید برسد فروش اسعار بر طبق جوازهای ورودی که تصدیق صدور مربوطه بآنها حاکی از انجام تعهد اسعاری ناشیه از صادرات نباشد از عمل اسعار حاصله از تعهدات اسعاری که مطابق این قانون حاصل میشود ممنوع است.

صدی پنج اسعار حاصله از صادرات عمومی برای احتیاجات صنعتی مملکت تخصیص داده میشود مازاد اسعار حاصله از صادرات در آخر هر سال اقتصادی باختیار دولت گذارده میشود و اسعار مزبور و مازاد صدی پنجاه اسعار اجناس انحصاری در مرحله اول برای احتیاجات توسعه صنایع مملکتی که از طرف دولت و یا مردم بعمل می آید تخصیص داده میشود و اگر مازادی از اسعار مزبور باقی ماند بمصرف تشکیل ذخیره تثبیت نرخ اسعار خواهد رسید.

بصره - اسعاری که برای جوازهای ورود صادره در ظرف آن سنه اقتصادی لازم باشد از محل اسعاری که باختیار دولت گذارده میشود باید تأدیه شود.

ز - فروش اسعار حاصله از صادرات بغیر دولت و یا بانکهایی که عامل دولت باشند ممنوع بوده و مرتکبین مورد مجازات معینه در این قانون خواهند شد.

ح - قیمت اسعاری که از بابت صادرات بدولت فروخته میشود باید از طرف دولت و یا بانکهای عامل دولت نقداً بصاحبان آنها تأدیه شود.

ط - تعهد اسعاری با وارد نمودن اجناس خارجی مرتفع نمیگردد.

ی - در صورتیکه کسی پیش از تعهد اسعاری خود اسعار از بابت صادرات خود بدولت بفروشد بمیزان اضافه اسعاری که فروخته است تصدیق اخذ تصدیق صدور خواهد داشت.

اینگونه تصدیقهای صدور را در مقابل تصدیق فروش اضافه اسعار اداره کل تجارت صادر خواهد نمود و در آن تصدیق صدور فروخته شدن اسعار اضافی و مدرک آن فروش را ذکر خواهد نمود.

ک - برای خرید و فروش اسعار حاصله از صادرات از طرف دولت نرخ رسمی بر قرار خواهد گردید در همان حال بدولت اجازه داده می شود که خرید و فروش و سایر معاملات کلیه اسعار را در مملکت در مواقع مقتضی تحت نظارت و نظارت خود قرار داده و برای آن نرخ رسمی معین نماید. نرخ رسمی و سایر شروط خرید و فروش اسعار خارجی و الزامات و تعهدات بانکهای عامل دولت از حیث عدم استنکاف از فروش اسعاری که ابواب جمع آنها است

و نگاهداشتن حسابهای مخصوصی برای اسعار حاصله از صادرات و فروش اسعار مزبور از بابت واردات و احتیاجات صنعتی و دولتی و اطلاع دادن میزان و نرخ خرید و فروش اسعار مزبور و دادن صورت اشخاصی که تعهدات اسعاری خود را چه از بابت صادرات و چه از بابت استرداد اسعاری که برای واردات خریده باشند انجام نداده باشند و سایر وظایف مربوطه از طرف دولت معین خواهد شد.

ل - اسعار خارجی که از صادر نمودن محصولات ایران تحصیل نشده باشد و خصوصاً اسعاری که در بازار ایران تحصیل شده باشد اعم از اینکه بشکل چک یا برات صادره از بانکهایی که در داخله ایران کار میکنند و یا بشکل چک و برات صادره و یا ظهر نویس شده از طرف کلیه افراد مقیم ایران باشد بعنوان اسعار حاصله از صادرات قبول نخواهد شد و فروش اینگونه اسعار تعهد اسعاری کسی را از بابت صادرات زائل نخواهد نمود.

ماده هشتم:

الف - دولت مکلف است پس از اعلان سهمیه های مذکور در ماده ۳ و موضوع نمودن میزانی از اجناس مزبور که ورود آن بر طبق قراردادهای مخصوصی باید بعمل آید حق وارد نمودن بقیه اجناس سهمیه را بوسیله جواز های ورودی باشخاص یا مؤسسات مختلفه تجارته و آگذار نماید.

ب - برای تحصیل جواز ورود هر درخواست کننده باید درخواست کتبی با ذکر نوع و میزان و مبلغ اجناس ورودی و مملکت مبدأ و گمرکخانه که از آن اجناس وارد خواهد شد و اسم و نهرت درخواست کننده و مدتی که در آن جنس وارد خواهد شد و سایر توضیحاتیکه از طرف اداره کل تجارت معین خواهد گردید با اداره مزبوره بدهد باستثنای مواردیکه در این قانون معین شده درخواست کننده باید معادل قیمت جنس موضوع درخواست تصدیق صدور که تعهد اسعاری ناشی از آن انجام شده باشد بدرخواست خود ضمیمه نماید و الا به درخواست او ترتیب اثر داده نخواهد شد در غیر موارد مستثنیه دادن جواز ورود باعتبار تصدیقهای صدور که تعهدات اسعاری ناشیه از آنها انجام نشده باشد ممنوع است.

ج - اداره کل تجارت مکلف است با مراعات شرایط مقررده قانونی بمیزان صدی نود و پنج مبلغ تصدیق صدوریکه تعهد اسعاری آن انجام شده باشد جواز ورود بدرخواست کننده بدهد در جواز اطلاعات مذکوره در فقره (ب) این ماده و توضیح باینکه جواز ورود بر طبق تصدیق صدور که تعهد اسعاری آن انجام شده است باید ذکر شود همچنین در جواز ورود مدت اعتبار آن که متناسب بامدتی که برای وارد کردن جنس لازم است خواهد بود باید ذکر شود و در ظرف مدت مزبور گیرنده جواز مکلف بوارد نمودن جنس موضوع جواز خواهد بود و الا باید اسعاری را که برای وارد نمودن جنس خود از دولت و یا بانکهای مجاز خریده است با خرج معمولی بانک بفروشد مسترد نماید. در هر حال مدت اعتبار جواز از هشت ماه نباید تجاوز نماید در جواز های مذکور تعهدات وارد کنندگان از قبیل عدم احتکار و فروش جنس بقیمت عادلانه و تبعیض نکردن در فروش و امثال آن معین خواهد گردید.

د - دولت و یا بانکهای عامل دولت مکلف میباشند که در مقابل اینگونه جوارها اسعار معینه در آنها را بصاحبان جواز بفروشند.

ه - جوازهای ورود اسمی بوده و بدیگری قابل انتقال نخواهد بود.

و - در موارد ذیل میتوان جواز ورود بدون اخذ قبلی تصدیق صدور داد.



اولاً - در مواقعی که دولت بر طبق مقاولاتی مقررات مخصوصی را برای واردات و صادرات قبول نموده باشد .

ثانیاً - در صورتیکه درخواست کننده جواز تمهید بانکی بدهد که ناشی از صدور جواز اکر تصدیق صدور می که تمهید اسعاری ناشیه از آن انجام شده باشد با اداره کل تجارت نداد معادل قیمت جنس ورودی خود اسعار خارجی بدولت بفروشد .

ز - سایر شرایط مربوطه بدادن جواز ورود و طرز تقسیم جنس و میزان آن که ممکن است دفعه بشخص و مؤسسات مختلفه داده شود بر طبق نظامنامه که بتصویب هیئت دولت رسیده باشد معین خواهد گردید ماده نهم :

الف ( الف ) گمرکخانه های ورودی مکلف میباشدند در موقع خروج اجناس ورودی از گمرک بداخله مملکت قیمت آن اجناس را بدقت مطابق نرخ عمده فروشی بازار دفتر ورود تعیین نموده و معادل آن جواز ورود دریافت دارند . جوازهای ورود مزبور از طرف اداره گمرک باطل شده و برای اداره کل تجارت باید ارسال شود . هر گاه در محل دفتر ورود بازار عمده فروشی نباشد قیمت نزدیکترین بازار عمده فروشی آن جنس مأخذ تقویم واقع خواهد شد .

حقوق و عوارض گمرکی و کرایه از سرحد تا محل دفتر ورود از قیمت عمده فروشی کسر میشود . ب ( ب ) در صورتیکه اجناس بطور عمده فروشی در سرحد بفروش برسد قیمت عمده فروشی با منظور نمودن منفعت مختصری اساس تقویم خواهد بود .

تبصره - سایر مقررات مربوطه به تقویم واردات بموجب نظامنامه که به تصویب هیئت وزراء رسیده باشد تنظیم می شود .

ج - گمرکخانه های ورودی مکلف میباشدند که بر حسب تقاضای وارد کننده جنس بلا تأخیر تصدیق ورود جنس مزبور را با تعیین قیمت تقویم و ذکر جواز ورودی که به اعتبار آن جنس وارد شده است به مشارالیه بدهند . د ( د ) تصدیقهای ورود مذکور تمهید استرداد اسعار خریداری شده از دولت و یا بانکیهای عامل دولت را برای وارد نمودن اجناس زایل مینماید .

ه ( ه ) وارد نمودن اجناسیکه در سهمیه ها ذکر نشده باشد بوسیله اشخاص و مؤسسات مختلفه به گمرک و قبول کردن اجناس مزبور از طرف گمرک بدون اجازه دولت ممنوع است .

و ( و ) وارد کردن اجناس ذیل محتاج به ارائه جواز ورود نمیشود .

۱ - اشیائیکه بطور ترانزیت و یا کاپوتاژ وارد میشود .

۲ - اسباب سفر و اشیاء شخصی مسافرین .

۳ - طلا و نقره بشکل شمش و خاک و مسکوک

۴ - روزنامهجات و مجلات و کاتالک و امثال آن .

ز ( ز ) برای اجناسیکه بعنوان هدیه و سوغات و یا نمونه و یا کلام وارد میشود در حدود نظامات مقرر از طرف دولت و بشرط صدور اجازه مخصوص دولت در هر مورد جواز ورود بدون اخذ تصدیق صدور داده خواهد شد .

ح ( ح ) دولت میتواند ساخته شدن اجناس ورودی را بطور خاص و یا بسته شدن آنها را بشکل مخصوصی شرط ورود قرار دهد .

ماده دهم - وارد نمودن هر يك از اجناس خارجی بلك ایران علاوه بر اجرای مقررات انحصار تجارت خارجی مشروط به تادیه حقوق و عوارضی که در موقع ورود اخذ میشود روی اساس پول طلا خواهد بود حقوق و عوارض صدور نیز روی همین اساس اخذ میشود . ماده یازدهم :

الف ( الف ) کلیه اجناسیکه برخلاف مقررات این قانون وارد مملکت بشود قاچاق محسوب و منفع دولت ضبط و فروخته میشود و مرتکبین به حبس از شش ماه الی یکسال محکوم خواهند شد .

ب ( ب ) کلیه معاملات اسعار خارجی که برخلاف مقررات این قانون بعمل آید قاچاق محسوب شده و مرتکبین ( مجرم و شرکاء و معاونین ) بطور تضامنی بپرداخت جریمه معادل يك برابر موضوع معامله محکوم بوده و بعلاوه ممکن است از حبس یکماه الی یکسال محکوم گردند .

ج ( ج ) اشخاصیکه تمهیدات صدور و تمهیدات اسعاری خود را در مدت معینه انجام ندهند و از طرف دولت مهلت و یا عافیتی نسبت به تمهیدات اسعاری آنها داده نشود همچنین اشخاصیکه اسعار خریداری شده برای واردات را در صورت وارد نمودن جنس در موقع معینه مسترد ندارند علاوه بر اجرای تمهید خود محکوم به تادیه تا خمس مبلغ تمهیدی خود به پول ایران بعنوان جریمه خواهند شد .

تبصره - در صورت عدم تادیه جرائم مذکور در فقرات ( ب ) و ( ج ) این ماده و عدم امکان اخذ آن از مجردین مشارالیهم به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهند شد .

د ( د ) مأمورین دولتی که برخلاف مقررات این قانون تصدیق صدور و یا جواز ورود و یا تصدیق ورود بدهند و یا مال انحصار صدور و ورودی را برخلاف مقررات قانونی تقویم نمایند و همچنین مأمورینیکه بدون جواز ورود و یا اجازه مخصوص دولت اجازه خروج اجناس را از گمرکخانه برای ورود به مملکت بدهند و یا از صادر کنندگان در موقع صدور جنس تمهید اسعار خارجی بگیرند ( در صورتیکه از تمهید اسعار خارجی معاف نباشند ) بجزس از یکسال تا پنجسال محکوم خواهند شد و بعلاوه از خدمات دولتی بطور دائم منفصل میشوند .

ه ( ه ) اشخاصیکه تصدیق صدور و جواز ورود و تصدیق ورود جعل نمایند و یا اسناد مزبور را که باید باطل شود دوباره بجزریان بپردازند و یا از نسخ متعدده اسناد مزبور بخوانند جدا گانه استفاده نمایند به مجازاتهای معینه برای جعل اسناد رسمی محکوم میشوند .

در صورتیکه مرتکبین مستخدمین دولت باشند بحد اکثر مجازات محکوم خواهند شد .

و ( و ) اشخاصیکه با گرفتن رشوه برخلاف یکی از مقررات این قانون عمل کرده مرتکب ارتشاء بشود بحد اکثر مجازات مقرر برای مرتشی محکوم خواهند شد .

ز ( ز ) بکاشفین معاملات اسعار خارجی و تخلفات از این قانون صدی سی از جرائم مأخوذه جائزه پرداخته خواهد شد .



ماده دوازدهم - این قانون بلافاصله پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود و ادارات مربوطه دولتی و امور اجرای آن میباشند و کلیه قوانین و مقرراتیکه تا بحال نسبت بانحصار تجارت خارجی وضع شده و مخالف این قانون باشد از درجه اعتبار ساقط است .

این قانون که مشتمل بر دوازده ماده است در جلسه نوزدهم تیر ماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر